

و باز هم: سر، حجاب و مو در قرن‌تس¹

Hans-Jörg Ronsdorf · ژانویه 2021 · بازنگری شده در اکتبر 2026

سال به سال، هرچند با بسامدی رو به کاهش، نوشته‌هایی درباره‌ی این متن پولس منتشر می‌شود که همه می‌دانند آسان نیست (اول قرن‌تس 2: 11-16). چرا من درباره‌ی آن می‌نویسم؟ در کتابم «ای زنان، ما را ببخشید!» («Frauen, vergebt uns!») درباره‌ی نقش مرد و زن² که در نوامبر 2020 منتشر شد، در یکی از فصل‌ها به این متن پرداختم. اما نه به آن اندازه منظم و مفصل که بعدها درست دانستم. زیرا در کتاب «فرضیه نقل قول» را بسیار پررنگ بازتاب دادم، همان‌گونه که توماس شیرماخر (Thomas Schirrmacher) در کتابش «Paulus im Kampf gegen den Schleier»³ شرح داده است. اشاره کرده بودم که فرضیه نقل قول نیز یک فرض است؛ فرضی کاملاً پذیرفتنی، اما سرانجام اثبات نشده. در این نوشته، به کمک آثار یک الهی‌دان زن و یک الهی‌دان مرد، بدون فرضیه نقل قول نیز به توضیحاتی پذیرفتنی می‌رسم.

این متن با وضعیتی فرهنگی سخن می‌گوید که برای ما بیگانه است، یعنی با فرهنگ یونانی-رومی قرن اول. نه در هر جایی، بلکه در قرن‌تس که آن زمان مستعمره‌ای رومی در یونان بود. برای پولس جای ناشناخته‌ای نبود؛ او هجده ماه در آنجا کار کرد. او همه جزئیات این شهر را می‌شناخت (اعمال رسولان 18:1-18).

در این نوشته بارها از دو کتاب نسبتاً تازه نقل قول خواهم کرد. این دو کمک می‌کنند این متن دشوار را بهتر، به شکلی تازه یا عمیق‌تر بفهمیم. به‌ویژه در بررسی آیه به آیه نتوانستم بهتر از آنچه آن‌ها نوشته‌اند بیان کنم، و از این رو بیشتر خود این دو نویسنده را به سخن وامی‌دارم. نخست، تفسیر (عظیم و عالی) اکهارد ی. اشنابل (Eckhard J. Schnabel) است با عنوان «Der erste Brief des Paulus an die Korinther» (مجموعه Historisch-Theologische Auslegung) (او الهی‌دان و استادی محافظه‌کار، «وفادار به کتاب مقدس» و انجیلی است)³. تفسیر دیگری نمی‌شناسم که این متن را این‌چنین مستدل و با این همه ارجاع به منابع بررسی کرده باشد. با همه نتیجه‌گیری‌هایش هم‌نظر نیستم، که البته در این موضوع همیشه باید انتظارش را داشت. کتاب دوم «Paul and Gender» نام دارد⁴. سینتیا لانگ وستفال (Cynthia Long Westfall) (مورخ و الهی‌دان) در سال 2016 پژوهشی درباره‌ی این متن و همه دیگر متن‌های مرتبط پولس در موضوع جنسیت ارائه کرد که در جهان انگلیسی‌زبان بسیار مورد توجه قرار گرفت. او با توجه دقیق به وضعیت فرهنگی، نوری تازه بر پرسش‌های بزرگی می‌افکند که مفسران بی‌شمار و نیز خواننده عادی کتاب مقدس با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این دو نویسنده در بسیاری از دیدگاه‌ها هم‌نظرند. (نقل قول‌های وستفال در پانویس فقط با شماره صفحه آمده است).

هدف من این است که (برای خودم) روشن کنم استدلال پولس چیست و چه چیزی او را واداشت دقیقاً این‌گونه بنویسد. آیا زنان مشکل بودند یا مردان؟ و اگر سرانجام این کاملاً روشن می‌شد – که اینجا نمی‌توان تضمینش کرد و هر خواننده باید خود درباره‌ی آن تصمیم بگیرد – باز این پرسش می‌ماند: در قرن بیست‌ویکم با آن چه کنیم؟

این مسئله وفاداری به کتاب مقدس نیست، چنان‌که اغلب کوتاه‌بینانه و با شور بیش از اندازه ادعا می‌شود، بلکه مسئله فهم درست کتاب مقدس است. اگر واقعاً درباره‌ی به‌اصطلاح وفاداری به کتاب مقدس جدی هستیم، باید زحمت مطالعه کتاب مقدس را (بارها و بارها) بر خود هموار کنیم و وقت بگذاریم. وگرنه این

وفاداری عبارتی توخالی و به ظاهر پارسایانه می ماند که پیوسته تکرار می شود. یا حتی «شیبولت» می شود برای کشیدن مرز در جایی که نباید مرزی باشد، یا برای سوگند وفاداری خوردن در جایی که هنگام اندیشیدن یا خویشتن داری است.

بافت مندسازی

بافت مندسازی (Kontextualisierung) مستلزم آن است که نخست کتاب مقدس را در محیط خودش مطالعه کنیم. تنها پس از آن می کوشد دریابد این متن امروز چه سخنی دارد. پس موضوع کمتر درباره احکام مستقیم است، مانند حکم محبت یا منع دروغ گویی. ما مشکلی نداریم که این ها را بی زمان بپذیریم. وضع فرق می کند وقتی پای ظواهر یا رسوم و رفتارهایی (گوشت قربانی بت ها و مانند آن) در میان است که امروز دیگر آن ها را نمی شناسیم.

پولس آشکارا به رسوم و آداب زمانه در قرن تس یونانی و در کل امپراتوری روم اشاره می کند. هیچ مفسر یا خواننده کتاب مقدسی نمی تواند از این اشاره به فرهنگ آن روزگار بگذرد. در عمل نیز نزد بیشتر مفسران دقیقاً همین طور است، هر چند دانسته ها درباره واقعیت های تاریخی و تفسیرشان گاه بسیار متفاوت است و بدین سان کیفیت تفسیر متن را تحت تأثیر قرار می دهد. (برای همه کسانی که مانند من از جنبش برادران می آیند: داربی (Darby) و کلی (Kelly) نیز موضوع حجاب و مو را صرفاً در درون متن توضیح نداده اند، بلکه به فرهنگ آن روزگار نیز ارجاع داده اند. زیرا پوشش سر موضوعی فرهنگی است و نه موضوعی کتاب مقدسی-الهیاتی.) پولس موفق می شود رسوم فرهنگی را در پرتو روایت آفرینش دآوری کند و حتی برایشان دلیل بیاورد، تا به این پرسش (یا پرسش های) به راستی مهم برای قرن تیان پاسخ دهد.

پولس در استدلالش هنجاری فرازمانی وضع نمی کند، هیچ آیین نامه رفتاری که به گونه ای متعالی در طول قرن ها یا حتی از آغاز آفرینش معتبر و بی زمان باشد. **پولس استدلال می کند که چگونه می توان با وجود آزادی انجیل چنان رفتار کرد که هیچ یک از هم روزگاران او لغزش نخورد. حتی آنگاه که این کار آزادی مسیحی را محدود کند.** نه به این دلیل که از نظر الهیاتی واجب یا مستدل است، بلکه چون از قاعده طلایی ای پیروی می کند که پولس آن را درست پیش از آغاز همین فصل چنین بیان می کند:

اول قرن تیان 31:10-33: پس خواه بخورید، خواه بنوشید، یا هر کاری که بکنید، همه را برای جلال خدا بکنید. برای یهودیان و یونانیان و جماعت خدا سبب لغزش مباشید؛ چنان که من نیز در همه چیز همه را خشنود می سازم و نفع خود را نمی جویم، بلکه نفع بسیاری را، تا نجات یابند.

این «قاعده طلایی» کلیدی است برای متنی که بی درنگ پس از آن می آید. زیرا قواعدی که پولس می خواهد با استدلال به قرن تیان منتقل کند، ترکیبی است از «در همه چیز خدا را جلال دادن» و هم زمان لغزش نبودن برای هم روزگاران و هم نوعان، به خاطر ظواهر یا رفتارهایی که در آن زمان نابجا یا حتی ننگ به معنای فرهنگی (نه الهیاتی) شمرده می شد. مسیحیان قرن تس به هر حال با این رسوم بزرگ شده بودند، و به جا آوردن یا تحمل آن ها بهای چندان سنگینی نبود، اگر از این راه می شد مردم را برای مسیح به دست آورد. پولس ظواهر فرهنگ یونانی-رومی را از آن خود نمی کند، هر چند رعایتشان را توصیه می کند، بلکه می کوشد راهی بیابد که جنبه های گوناگون را در نظر بگیرد. حرکتی بر لبه تیغ، که از یک سو رویداد آفرینش مرد و زن را بازتاب می دهد و جدی می گیرد و از سوی دیگر احساس مردم را به طور کلی (احساس جامعه را) به تمامی در نظر می آورد.

همین‌جا پیشاپیش اشاره‌ای به آیه 10، جایی که پولس به روشنی می‌گوید (برخلاف بیشتر ترجمه‌ها؛ بعداً بیشتر در این باره) که زن بر سر خودش اقتدار دارد، یعنی اقتدار اینکه آن را بپوشاند یا نپوشاند. اما او باید تصمیمش را با در نظر گرفتن همان معیاری که در بالا گفته شد و جنبه‌های دیگری بگیرد که بعداً به آن‌ها خواهیم پرداخت.

دامنه اعتبار متن

توصیه‌هایی که پولس می‌خواهد قرن‌تیان را، با وجود آزادی‌شان، برایشان همراه کند، برای کدام حوزه معتبر است؟

برای گردهمایی کلیسا! دعا و نبوت می‌تواند و باید در هر جا و هر زمان انجام شود، اما در نامه قرن‌تیان (به‌ویژه بنگرید به فصل 14) محتوای اصلی گردهمایی است. در بافت نامه باید روشن شود که چه مکان و چه مناسبتی مد نظر است.

طرفداران حکم خاموشی زنان در جلسات پرستشی، این گفته پولس را که زنان دعا و نبوت می‌کنند، به هر جایی منتقل می‌کنند، جز به جلسه پرستشی. این پذیرفتنی نیست، زیرا پوشش سر برای انظار عمومی است؛ باید یا می‌تواند دیده شود، وگرنه معنایی ندارد. افزون بر این، در فصل‌های 12 تا 14 عطایای روح به‌تمامی و بی‌هیچ محدودیت جنسیتی بخشیده می‌شود و – با چندین بار تأکید – **همه** در گردهمایی مشارکت می‌کنند. پس حکم به زنان که خاموش باشند (اول قرن‌تیان 14:34-35) نمی‌تواند با این در تناقض باشد، بلکه باید در پرتو فصل‌های 11 تا 14 و سرانجام در بافت کل نامه پاسخ داده شود. در آن صورت موضوع سخن گفتنی از سوی زنان است که در کلیسای خانگی، جایی که مسیحیان گرد می‌آمدند، مزاحمت ایجاد می‌کند. احتمالاً سخن گفتنی که گفت‌وگوی روحانی را مختل می‌کند، یا دخالت می‌کند و حواس را پرت می‌کند، یا حتی برای شوهران ننگ به شمار می‌آید، وقتی همسرانشان آنان را در گردهمایی رسوا می‌کنند؛ به زبان امروز: «آبرویشان را می‌برند». به هر حال، با رعایت قواعد بنیادین هرمنوتیک، این نمی‌تواند ممنوعیتی کلی برای سخن گفتن باشد. چنین چیزی تنها زمانی است که این آیات را جدا کنیم و چنان به آن‌ها بنگریم که گویی کاملاً به تنهایی ایستاده‌اند.

آیا پولس دشمن زنان بود؟

اینکه این متن از ورای **عینک تاریخی-انتقادی** چگونه دیده می‌شود، از این نقل‌قول پیداست: «این متن به سرکوب زنان در کلیسا و در جوامعی که از آن تأثیر پذیرفته‌اند کمک کرده است. این متن – حتی با خیرخواهانه‌ترین تفسیر – به هیچ وجه با آنچه در قرن بیست‌ویکم باید از نظر الهیات مسیحی درباره روابط جنسیتی گفت، هم‌خوان نیست. برابری و عدالت در روابط جنسیتی و برخورد انتقادی با ایدئولوژی‌های دگرجنس‌گرا برای پولس ناشناخته بود. باید پرسید چنین متنی به چه معنا هنوز می‌تواند الهام‌بخش باشد. آیا از منظر امروز تنها می‌توان این متن را رد کرد، چون به عدالت آسیب زده است و خطای انسانی بوده که در زمان خودش در اصل برای عدالت بر روی زمین کار می‌کرد؟»⁵ این دیدگاه نماینده برداشت رایجی از این متن است که من به هیچ وجه در آن شریک نیستم. نگرشی منفی و انتقادی به متن کتاب مقدس ناگزیر به این دیدگاه می‌انجامد.

در سوی دیگر، در **سوی «وفادار به کتاب مقدس»**، این گونه انتقاد با شدت رد می‌شود و چنین اعلام می‌شود: تسلیم سلسله‌مراتبی، و نه برابری یا برابری حقوق، از آغاز نقشه خدا بوده است. این در برابر «روح زمانه»ی فلسفه جنسیت (Gender) می‌ایستد.

آیا باید میان این دو دیدگاه افراطی یکی را برگزینیم؟ آیا راه دیگری برای توضیح این متن هست، بی‌آنکه این دو دیدگاه را درهم بیامیزیم؟ این برای من سازشی پوسیده می‌بود.

خوانشی هست که تسلیم هیچ‌یک از این دو توضیح نمی‌شود، بلکه به پولس، به سیزده نامه او و به کتاب اعمال رسولان، و البته به عیسی که پولس او را سرمشق خود داشت، جهت می‌گیرد: **«اقتدا به من نمایی، چنان‌که من نیز به مسیح می‌کنم» (اول قرنتیان 11:1).** این هیچ جایی برای سخنان تبعیض‌آمیز درباره زنان باقی نمی‌گذارد. نه، پولس دوستدار زنان است، که در درخشش نور مسیح حقیقت را شناخت و دید. تصویر یهودی-هلنیستی او از زن نیز در پرتو انجیل اصلاح شد.

برای پولس مهم است که سبب لغزش نباشد، اما هم‌زمان به انجیل وفادار بماند. پوشش سر برای مردان، بسته به خاستگاه و تربیتشان، در آیین‌های دینی رسمی رایج بود. در جمع ایمانداران، مردان هنگام دعا و سخن گفتن نبوتی نباید سر خود را بپوشانند. اما زنان، به گفته پولس، وقتی دقیقاً همان کاری را می‌کنند که مردان، باید سر خود را بپوشانند. آن هم همه زنان، حتی آنانی که در جامعه آن روز اجازه نداشتند سر خود را بپوشانند، یعنی کنیزان و زنان آزادشده یا زنان مجرد. پس هر دو مورد تا اندازه‌ای ضدفرهنگی نیز هست، چون فرهنگ در اینجا با هسته انجیل در تضاد است. این دستوری هم نیست (برخلاف آرمین باوم (Armin Baum) و اشنابل) که همه زنان در کوچه و خیابان، یعنی در زندگی عمومی، سر خود را بپوشانند، زیرا فرهنگ این کار را برای پایین‌ترین طبقه، یعنی کنیزان، ممنوع می‌کرد. به هر حال رسم بر این بود که زنان شوهردار سر خود را بپوشانند یا حجاب داشته باشند.

پولس پوشش سر را به عنوان نشانه تسلیم زن به مرد نیز تأیید نمی‌کند. تسلیم و پایین‌تر بودن رتبه و ارزش زن نسبت به مرد از دیرباز به هر حال در سنگ حک شده بود. لازم نبود که به نمایش گذاشته شود. این پوشش کارکردی مشخص داشت؛ اگر بخواهیم چنین بگوییم، نشانه‌ای کارکردی بود، و کمتر یا اصلاً نمادی سلسله‌مراتبی نبود.

پولس خطاب به کیست؟ چه کسی باید اصلاح شود؟

تقریباً همه مفسران بر این باورند که خطاب به زنانی است که به سبب آزادی تازه‌یافته‌شان در برابر ادامه استفاده از پوشش سر رایج آن زمان مقاومت می‌کنند. و این پوشش به نوبه خود را بیان و پذیرش تسلیم به مرد می‌دانند، زیرا – چنان‌که در این متن آشکارا از آفرینش استنتاج می‌شود – زن به طور کلی نسبت به مرد، و همسر به‌ویژه نسبت به شوهرش، از نظر سلسله‌مراتب زیردست یا در رتبه بعدی است. اگر کسی از واژه سلسله‌مراتب ناخشنود است و ترجیح می‌دهد از نظم آفرینش یا نظم (نظم‌های) مقدس سخن بگوید، باید یک چیز را در نظر داشته باشد: او با همه هم‌ارزی و هم‌شأنی مرد و زن، باز نابرابری را به عنوان نظم خدا تأیید می‌کند. مرد رهبری می‌کند و مسئولیت دارد، زن در تسلیم پیروی می‌کند.

اگر رفتار رهایی‌خواهانه زنان انگیزه این متن پولس بوده است، باید توضیح داد که چرا این متن با این سخن آغاز می‌شود که **مسیح سر مرد** است. این آغاز توجه را به مردان معطوف می‌کند، آن هم چنان که گویی آنان سبب استدلالی بوده‌اند که در پی می‌آید.

سینتیا لانگ وستفال بر این نظر است که در قرتس مردانی بودند که به زنان پیشنهاد می‌کردند یا آنان را وامی‌داشتند که از پوشش سر رایج چشم بپوشند. زنان شوهردار از طبقه محترم حاضر نبودند پوشش خود را بردارند. این با رسم فرهنگی که در آن بزرگ شده بودند در تضاد بود. پوشش سرشان محافظ و بیان شأن، نجابت و پاکی اخلاقی بود. نماد تسلیم نبود، بلکه نشانه تعلق آنان به عنوان همسر به شوهرشان بود.

کنیزان و زنان آزادشده، زنان مجرد (و شاید بیوه‌زنان نیز؟) اجازه نداشتند سر خود را بپوشانند و به عنوان پایین‌ترین طبقه در برابر نزدیک شدن‌های جنسی بی‌پناه بودند. روسپیان سر خود را نمی‌پوشاندند یا حجاب نداشتند و موهایشان را کوتاه کرده بودند، یعنی به هر شکلی که بود موی کوتاه داشتند. اگر اینان ایمان می‌آوردند، چه می‌شد؟ پولس در آغاز نامه (26:1-29) می‌گوید که بسیاری از کسانی که ایمان آوردند مردمانی ساده و فقیر بودند، نه از طبقه والا یا اشراف. پس باید به این زنان گفته می‌شد که برخلاف رسوم اجتماعی اجازه دارند سر خود را بپوشانند. زیرا در کلیسای عهد جدید و آفرینش تازه، طبقه دیگر نقشی ندارد، چنان‌که غلاطیان 3:28 نیز تأیید می‌کند.

جنبه‌هایی از وضعیت فرهنگی مسیحیان قرتس

هر گاه به این پرسش بپردازیم و به داده‌های مورخان وابسته باشیم، باید نگاه پولس به زمانه و جامعه‌اش را در نظر بگیریم: نباید خود را هم‌مشکل جریان این جهان، و از جمله فرهنگ هر دوره، ساخت، اگر با انجیل در تضاد باشد (رومیان 2:12). «آمدن به سوی دیگران» در انجیل مرزهایی دارد. برای یونانیان یونانی شدن (مقایسه کنید با اول قرتیان 20:9-22) به این معنا نیست که در بتکده بر سر سفره بنشینیم و گوشت قربانی بت‌ها بخوریم. ضمناً ارزیابی پولس از جریان این جهان – برخلاف رسوم و آداب یک دوره – بی‌زمان و همیشه معتبر است.

موضوع این مقاله پیرامون مسئله جنسیت و رفتار و ظاهر بیرونی مربوط به آن است:

«در جامعه یونانی-رومی، قانون‌گذاری و اجرای رفتار "درست" زنان یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت بود، زیرا حکومت باور داشت که بی‌نظمی در خانواده پیامدهای فتنه‌انگیزی برای خیر و صلاح امپراتوری دارد.»⁶

«برای آنکه مأموریت پولس در میان غریبه‌پایان موفق باشد، رفتار زنان مسیحی می‌بایست با آنچه زنان در جهان عمومی یونانی-رومی قرن اول انجام می‌دادند هم‌خوان باشد. از این رو، دغدغه‌های پولس در موضوع جنسیت، هنگامی که به نقش‌های جنسیتی در کلیسا و در خانه می‌پرداخت، اغلب بشارتی بود، و قصد او این بود که ایمانداران در فرهنگ جای بگیرند و هم‌زمان از نظر اخلاقی پاک بمانند. هماهنگ شدن با فرهنگ قرن اول چیزی غیر از هماهنگ شدن با فرهنگ قرن بیست و یکم بود. تصورات امروزی غربی درباره اینکه دو جنس معمولاً چگونه رفتار می‌کنند و با یکدیگر برخورد می‌کنند، به روشنی با تصورات فرهنگ یونانی-رومی تفاوت دارد.»⁷

«رابطه حامی و تحت‌الحمايه و دوسویگی، که اجزای سازنده این فرهنگ‌اند، روابط میان شوهران و همسران را نیز شکل می‌دهند.»⁸ منظور از حامی (Patron)، پشتیبان یا نیکوکاری است که از نظر رتبه یا طبقه بالاتر بود، حتی اگر فقط به سبب ثروت یا دارایی‌اش بود. «در جهان یونانی-رومی، مرد و زن معمولاً شریکانی نابرابر در نظام/رابطه حمایت بودند. مرد نقش نیکوکار را داشت و زن طرف زیردست در رابطه زناشویی بود، مگر آنکه جهیزیه بزرگی به ازدواج آورده بود.»⁹

«(قرنتس) جایی بود که هر نوع فعالیت جنسی را که برای مردان در دسترس بود عرضه می‌کرد (چنان‌که «مانند یک زن قرنتسی رفتار کردن» به معنای تن دادن به بی‌عفتی جنسی بود)، و اصطلاح «دختر قرنتسی» تعبیری مؤدبانه برای روسپی بود. طبقه اشرافی وجود نداشت؛ در عوض، ثروت قرنتس طبقه‌ای از تازه‌به‌دوران‌رسیدگان پدید آورده بود. اما پولس اشاره می‌کند که کلیسای قرنتس اعضایش را نه تنها از نخبگان ثروتمند، بلکه عمدتاً از میان کسانی به دست می‌آورد که از جایگاه یا قدرت بی‌بهره بودند (اول قرنتیان 1:26).»¹⁰

پس وقتی مردمانی از همه طبقات، بدون هیچ پیشینه تربیت مسیحی، ایمان می‌آوردند و به جمع ایمانداران می‌پیوستند، این مردم هنوز با رذایل همیشگی زندگی‌شان شکل گرفته بودند. جنسیت در هوا موج می‌زد؛ همه‌جا در دسترس بود. کلیسا با این موضوعات و رفتارها روبه‌رو بود.

شیوه گردهمایی

قوم بزرگی (اعمال رسولان 18:10) که خدا در شهر بندری قرنتس به دست پولس و همکارانش فراخواند، نمی‌توانست در یک مکان گرد آید. مگر آنکه تئاتر یا میدانی را اجاره می‌کردند، که برای آیینی تازه که بیشتر مردم ساده پیرو آن بودند، کاملاً ناممکن بود. از این رو در خانه‌ها گرد می‌آمدند، در خانه‌های بزرگ یا کوچک، در چند ویلای محدود و بیشتر در خانه‌ها یا آپارتمان‌های ساده (چنان‌که در افسس هنوز هم می‌توان دید). وقتی گرد هم می‌آمدند، این زنان بودند که غذا را آماده می‌کردند (گاه نیز با خود می‌آوردند). شام خداوند بخشی از غذای مشترک بود.

برای مردان و زنان در کلیسای خانگی همان چیزی معتبر بود که پولس بیان می‌کند. وستفال آن را چنین خلاصه می‌کند: «پس تفاوت میان مردان و زنان تمایزی در نقش‌ها در کلیسا نیست، بلکه این است که آنان در این نقش‌ها چگونه به شکلی متفاوت عمل می‌کنند. زنان و مردان می‌توانند در همان خدمت‌ها خدا را خدمت کنند، اما الزامات متفاوتی هست که ظاهر ویژه هر جنس را در بر می‌گیرد. این بیان معیار دوگانه‌ای نیست که در آن مردان هیچ محدودیتی ندارند و زنان محدود می‌شوند؛ هر دو محدودند.»¹¹

«سرانجام یک بار دیگر به نکته‌ای اشاره می‌کنیم که هرچند جزو مقصود اصلی استدلال‌های پولس نیست، اما مهم است. پولس کاملاً بدیهی از این سخن می‌گوید که زنان در گردهمایی کلیسا دعا می‌کنند و سخن نبوتی می‌گویند. یعنی زنان واقعیت خدا و کلام او را درست به همان اندازه مردان آشکارا به زبان می‌آورند.»¹²

چه چیزی عمومی است؟

معمولاً منظور از عرصه عمومی جایی است که آدم با هر کسی روبه‌رو می‌شود. در بازار قرنتس، در بندر یا در بتکده. در نهایت هر چیزی بیرون از خانه خود آدم عمومی است.

گردهمایی پرستشی در خانه‌های خصوصی مسیحیان ثروتمند یا بلندپایه برگزار می‌شد، درست همان‌گونه که در خانه‌ها و اتاق‌های کسانی که ثروت کمتری داشتند. آیا این عمومی بود؟ هرچند با وضعیت بازار قابل مقایسه نبود، اما ناآشنایان یا بی‌ایمانان به این گردهمایی‌ها راه داشتند. یا روح‌القدس آنان را به آنجا هدایت کرده بود یا مسیحیان دعوتشان کرده بودند. از این نظر، گردهمایی نیز جمعی بسته نیست، بلکه جایی است برای همه مردم تا با خدای زنده روبه‌رو شوند.

از این رو رعایت آداب و رسوم در این گردهمایی مهم است، آن هم برای مردان و زنان به یک اندازه. بی‌ایمان نباید لغزش بخورد، بلکه باید از سوی خدا، از حضور مقدس و مؤثر او، ملزم شود (اول قرن‌تین 14:16، 23-25).

چند تن از مفسران این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا با این، قاعده پوششی بیرون از گردهمایی نیز لازم دانسته شده است. اگر دقیق بنگریم، این نه موضوع این متن است و نه پرسش قرن‌تین در آن. در اینجا قاعده طلایی اول قرن‌تین 10:31-33 به کار می‌آید که می‌گوید برای هیچ‌کس سبب لغزش نباشید. زنان شوهردار وقتی از خانه بیرون می‌روند سر خود را می‌پوشانند. کنیزان چنین نمی‌کنند، اما در جلسه پرستشی، چنان‌که پولس می‌نویسد، می‌پوشانند.

پوشش سر در قرن‌تس

در این باره چند نقل‌قول دیگر و اندیشه‌هایی مفصل‌تر. من متقاعدم: تنها کسی که رسم پوشش سر و حجاب را نمی‌فهمد، این متن پولس را مو به مو به امروز منتقل می‌کند. آن هم با یک هرمنوتیک سیاه-سفید و تک‌بعدی که در پایان به توجیه یک شریعت‌گرایی تنگ‌نظرانه تبدیل می‌شود، چنان‌که بارها با آن روبه‌رو شده‌ام و خودم نیز تجربه‌اش کرده‌ام.

«میشل آوریباک (Michelle Auerback) استدلال به سود حجاب را چنین خلاصه می‌کند: **“نمادها، یعنی گفته‌ها، تنها در فرهنگی معنا دارند که بدانند آن‌ها چه معنایی دارند.”** اما در پژوهش سنتی کتاب مقدس، بیشتر پژوهشگران فرض کرده‌اند که حجاب در اول قرن‌تین 11:3-16 به معنای **“انقیاد”** است، **بی‌آنکه به فهم معناهایی بپردازند که حجاب برای زنان در فرهنگ باستانی شرق مدیترانه داشت** یا در کاربرد همچنان گسترده آن در شماری از فرهنگ‌های امروزی.»¹³

«بروس وینتر (Bruce Winter) اعلام می‌کند که در دوران امپراتوری روم **“با اطمینان می‌توان فرض کرد که سر پوشیده با حجاب، نماد عفت و پاکدامنی‌ای بود که از یک زن شوهردار انتظار می‌رفت.”**»¹⁴

«اما اکنون به روایت‌هایی از زنان در فرهنگ‌هایی دسترسی داریم که حجاب زنان را به‌جا می‌آورند و داستان دیگری می‌گویند. درمی‌یابیم که در اسلام و یهودیت جریانی نیرومند از زنان پارسای بنیادگرا هست که به دلایلی حجاب می‌گذارند که بسیار شبیه استدلال پولس در اول قرن‌تین 11:3-16 به گوش می‌رسد. اما ما کاملاً به همانندی‌های انسان‌شناختی متأخر وابسته نیستیم که خطر نابهنگام بودن را در خود دارند. **تاریخچه زنانی که از برداشتن حجاب سر باز می‌زنند، و دلایل حجاب داشتن، تا فرهنگ آشوری قابل پیگیری است.**»¹⁵

«به نظر می‌رسد دغدغه پولس همه زنانی را در کلیسا در بر می‌گیرد که نبوت می‌کنند و دعا می‌کنند – از جمله کنیزان، زنان آزادشده، زنان مجرد و بیوه‌زنان. قاعده پوشش ماترونا رومی¹⁶ هم رتبه او را آشکار می‌کرد و هم **“جایگاه و نقش او را به عنوان زنی توانا به رابطه جنسی در جامعه رومی.”** از سوی دیگر، **سر بی‌حجاب به معنای در دسترس بودن جنسی بود، به‌طوری که حجاب برای کنیز یا زن آزادشده ممنوع بود.**»¹⁷

«تنظیم حجاب امتیاز مردان بود؛ آنان کسانی بودند که بیش از همه به‌طور طبیعی ضرورت تعیین یک رهنمود را می‌دیدند. در رسم رومی، هم مردان و هم زنان برای دعا سر خود را می‌پوشانند. پولس ظاهراً به مردان در کلیساها تعلیم داد که برخلاف رسم رومی با سر برهنه دعا کنند (اول قرن‌تین 4:11)، به‌طوری که شاید مردان فکر کردند آنچه برای غاز نر خوب است، برای غاز ماده هم خوب است. اما در حالی که سر

برهنه مرد نشانه فروتنی او در برابر خدا بود، سر برهنه زن نشانه فروتنی زن در برابر خدا نبود؛ بلکه پیامی درباره در دسترس بودن جنسی او می‌فرستاد که می‌توانست به وسوسه‌ای برابر باشد. اما آرمان‌های فرهنگی درباره آنچه شایسته بود، می‌توانست از سوی کسی به سود اولویت‌هایی که به گمان او الهیاتی بودند کنار گذاشته شود.¹⁸

«معمولاً بی‌هیچ پرسشی فرض می‌شود که پولس زنان قرن‌تس را اصلاح می‌کرد. اما این بخش هماهنگ‌تر است اگر فرض کنیم که زنان قرن‌تس از برداشتن پوشش سر یا حجاب خود سر باز می‌زدند، اما از سوی صاحبان اقتدار، یعنی مردان کلیسای خانگی یا حتی شاید شوهران خودشان، زیر فشار قرار می‌گرفتند یا تشویق می‌شدند که حجاب خود را بردارند. این گونه سناریویی است که در فرهنگ‌هایی که حجاب دارند بارها و بارها رخ می‌دهد.»¹⁹

حجاب تفاوت‌های اجتماعی را آشکار می‌کرد، بالا و پایین طبقات را. این تفاوت طبقاتی را می‌توان هزار و هشتصد سال تا دوران جدید مشاهده کرد. «این نه تنها نشان می‌داد که چنین زنانی از نظر جنسی در دسترس بودند، بلکه نظم اجتماعی و تمایز میان طبقات را نیز حفظ می‌کرد. [...] پشتیبانی پولس از حجاب همه زنان، روابط اجتماعی را در کلیسا برابر می‌ساخت؛ از آنجا که این حجاب در اختیار او بود، احترام، آبرو و پاکی جنسی را برای زنانی در کلیسا تضمین کرد که این جایگاه در فرهنگ از آنان دریغ می‌شد.»²⁰

«در فرهنگ خاور نزدیک، زن از طبقه بالا سر خود را می‌پوشاند تا سرسپردگی و فروتنی خود را نشان دهد. سر پوشیده او همچنین مستقیماً آبروی خودش و آبروی خانواده‌اش را نشان می‌داد – به‌ویژه آبروی paterfamilias (سرپرست خانواده باستانی)، که سرچشمه هویت او بود. پولس از معنای پیچیده این نماد بهره می‌گیرد تا بر پایه روایت آفرینش استدلالی الهیاتی به سود حجاب پیش بکشد.»²¹

اکهارد ی. اشنابل (Eckhard J. Schnabel) می‌نویسد: «پوشش سر زنان (نه فقط در بافت‌های دینی) در حوزه فرهنگی رومی-هلنیستی امری بدیهی و پذیرفتنی بود. تندیس‌های رومی، به‌ویژه چهره‌نگاره‌های زنان خاندان امپراتوری و نیز نقش‌برجسته‌های گور، زنان شوهردار را با استولای (palla) کشیده‌شده بر سر یا با vitta، یعنی نوار پشمی سر یا مو، نشان می‌دهند که نماد نجابت و پاکدامنی به شمار می‌رفتند. زنان مجبور نبودند در انظار عمومی استولا بپوشند. اما پوشیدن استولا نماد پاکدامنی آنان بود. قوانین ازدواج آگوستوس مقرر کرد که روسپیان حق ندارند استولای همسر نجیب، یعنی ماترونا، را بپوشند.»²² آرمین باوم (Armin Baum) درباره پوشش سر می‌نویسد:

Was bedeutete die weibliche Kopfbedeckung in der Antike?

Um den kulturellen Hintergrund von 1. Korinther 11,5-6 zu verstehen, muss man mindestens bis ins zweite Jahrtausend vor Christus zurückgehen. In den mittelassyrischen Gesetzen aus der Regierungszeit des assyrischen Königs Tiglatpileser I. (1115-1076 v. Chr.) heißt es: „Wenn ein Bürger seine Eingeschlossene (d. h. seine Konkubine, mit der er nicht verheiratet ist) verhüllen will, so soll er fünf oder sechs seiner Genossen Platz nehmen lassen, sie in ihrer Gegenwart verhüllen und sagen: ‚Sie ist meine Gattin‘. Dann ist sie (tatsächlich) seine Gattin.“ Bei der Eheschließung wurde der Kopf der Ehefrau demnach mit einem Tuch bedeckt. Das bedeckte Haupt war das sichtbare Kennzeichen der Ehefrau.

Diese Sitte hat sich über Jahrhunderte erhalten. Sie war auch in neutestamentlicher Zeit sehr verbreitet, als Paulus seinen ersten Korintherbrief schrieb. Letztlich ist die antike Verhüllung der Ehefrau sogar ein Vorläufer unseres modernen Brautschleiers, den die Braut bei der kirchlichen Trauung trägt. Seit Jahrtausenden kommen Frauen bei der Eheschließung im wahrsten Sinne des Wortes „unter die Haube“. Die Kopfbedeckung symbolisiert in ihren zahllosen Spielarten immer dasselbe, nämlich den neuen Status der Ehefrau.

در یهودیت، برداشتن پوشش سر به این معنا بود که وفاداری زناشویی زیر سؤال رفته است. حتی پوشش سر زن زناکار را به زور برمی‌داشتند. چشم‌پوشی داوطلبانه از پوشش سر نشانه آن بود که زن در دسترس مردان است.

زنان کجا باید پوشش سر داشته باشند؟ وقتی در جلسهٔ پرستشی به گونه‌ای شنیدنی مشارکت می‌کردند، یعنی وقتی توجه همهٔ حاضران به سخن‌گویان معطوف بود. به گفتهٔ پولس، همه می‌توانستند و باید مشارکت می‌کردند. آیا از این رو باید فرض کرد که آنان در جلسهٔ پرستشی همیشه سرشان پوشیده بود؟ کاملاً ممکن است، اما نمی‌دانیم. اگر سخن پولس را در اینجا به معنای تحت‌اللفظی بگیریم، آنگاه زنان تنها وقتی سر خود را می‌پوشاندند که در جلسهٔ پرستشی صدای خود را بلند می‌کردند.

«این پژوهش فرض غالب در پژوهش کتاب مقدس را رد می‌کند که حجاب نماد انقیاد زن به شوهرش بود. حجاب داشتن نمادی خصوصی نبود، بلکه رسمی عمومی بود که با قانون و عرف تنظیم می‌شد، و از

مردان و زنان هر دو انتظار می‌رفت که به این رسم گردن نهند. به طور خلاصه، حجاب نماینده آبرو، جایگاه و حمایت زن بود.²³

«رایج بود (و هست) که زنان از برداشتن حجاب خود سر باز زنند، زیرا حجاب نماد آبرو و حمایت است. محتمل‌تر است که زنانی که اجازه نداشتند در انتظار عمومی حجاب داشته باشند، می‌خواستند در گردهمایی حجاب بگذارند تا نشان دهند که به واسطه مسیح عادل شمرده شده‌اند. دستور پولس به همه زنان که حجاب داشته باشند، ضدفرهنگی یا خلاف فرهنگ و به سود زنان بود. این رسم که همه زنان حجاب داشته باشند، روابط اجتماعی را در جماعت مسیحی برابر می‌ساخت.»²⁴

اینکه مردان هنگام اعمال دینی سر خود را می‌پوشاندند، نزد رومیان به خوبی مستند است و نزد یونانیان تنها تا اندازه‌ای. در بررسی‌ها و تفسیرها به چشم می‌آید که به پوشش سر مردان توجه بسیار کمتری می‌شود.

تندیس از سزار آگوستوس که در قرن‌تس قربانی معبد را به‌جا می‌آورد، این فرمانروا را با حجابی نشان می‌دهد که سرش را پوشانده است. ریچارد اوستر (Richard Oster) توضیح می‌دهد که مردان یونانی هنگام قربانی‌های دینی برای خدایان بت‌پرستان اغلب سر خود را می‌پوشاندند. محتمل است که پولس درباره رسم پیشین قرن‌تس در بت‌پرستی اظهار نظر می‌کرد. کپیریانوس (Cyprian) حتی در قرن سوم درباره این موضوع چنین نوشت: «سر شما از حجاب بی‌خدا و گستاخانه‌ای آزاد مانده است که سرهای اسیر قربانی‌کنندگان در آنجا با آن پوشیده بود» (De lapsis 2). برایان رازنر (Brian Rosner) به گونه‌ای قانع‌کننده نشان می‌دهد که پولس در اول قرن‌تس 6:12-20 نگران مردانی بود که در مراسم مقدس اعمال جنسی انجام می‌دادند. بنابراین دغدغه پولس درباره پوشش سر مردان می‌توانست سرزنی علیه اعمال جنسی با روسپیان معبد نیز باشد. با این حال، پولس در آیه 4 به این موضوع بیشتر نپرداخت، و این نشان می‌دهد که او این وضعیت را تنها به عنوان نقطه مقابل زنان به کار برد.

رهنمودها و جنبه‌هایی برای تفسیر متن

بیشتر خوانندگان این سطرها متن پولس را برای نخستین بار نمی‌خوانند. برای آنان چند جنبه در پی می‌آید که شاید راهی تازه به متن بگشاید. این جنبه‌ها حاصل پرداختن مکرر به این متن و پژوهش‌های مربوط به آن است و همین‌طور از آسمان نیفتاده است. این جنبه‌ها می‌توانند کمک کنند که در خوانش عادت‌شده نیفتیم، خوانشی که متن را از پشت عینک تسلیم سلسله‌مراتبی زن (زنان) می‌فهمد؛ و این، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، موضوع متن نیست.

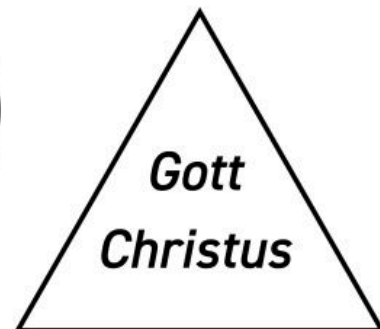
- متن بیش از هر چیز بر این تأکید دارد که چگونه همه‌چیز باید برای جلال خدا انجام شود.
- موضوع برجسته کردن جلال خدا در جلسه پرستشی است، به این صورت که مردان و زنان چنان رفتار کنند و لباس بپوشند که توجه به سوی آنان جلب نشود.
- (برخی) مردان سبب و انگیزه تعلیم پولس بودند، زیرا خواستار آن بودند که زنان پوشش سر خود را کنار بگذارند.²⁵
- به رسوم و آداب فرهنگی و اجتماعی پرداخته می‌شود. ننگ و بی‌آبرویی نه از نظر دینی یا الهیاتی، بلکه در احساس جامعه چنین است.

- بنابراین موضوع احکام بی‌زمان پولس نیست، هرچند او در استدلالش به داستان آفرینش اشاره می‌کند.
 - آزادی در مسیح با این در کشاکش است که آدم برای محیط پیرامونش سبب لغزش نباشد.
 - موضوع پوشاندن مو است (نه صرفاً سر)، و نیز نه حجاب کامل.
 - هیچ‌جا موضوع نظم سلسله‌مراتبی آفرینش نیست که در آن مرد بالای زن قرار دارد. هیچ‌جا نیز موضوع تسلیم زن به مرد نیست. هر دو دعا می‌کنند و سخن نبوتی می‌گویند، هم‌رتبه و برابر.
 - پولس در نهایت درباره همه زنان سخن می‌گوید، نه فقط زنان شوهردار. او بر رابطه‌ای کلی‌تر میان مرد و زن متمرکز می‌ماند که در آفرینش ریشه دارد و حتی آنگاه نیز معتبر است که زنی کنیز باشد و به‌طور رسمی شوهر، پدر یا قیمی نداشته باشد که سر او باشد.
 - ظواهری مانند لباس یا آرایش مو را انجیل مقرر نمی‌کند. این‌ها در آیین عبادی عهد قدیم اساسی‌اند، اما نه در عهد جدید که قرن‌تیان آن را در شام خداوند جشن می‌گرفتند.
 - موضوع قواعد رفتاری مردان و زنان در قرن بیست‌ویکم نیست.
- در ادامه به یکایک آیات این بخش از متن می‌پردازیم.

اول قرن‌تیان 11:3-16²⁶

3 اما می‌خواهم بدانید که
مسیح سر هر مرد است،
اما سر زن، مرد،
و سر مسیح، خدا.

پولس سه جفت را می‌آورد تا سرانجام درباره موضوع پوشش سر سخن بگوید. موضوع یک سلسله پلکانی یا ترتیب رتبه‌ها نیست: خدا، سپس مسیح، زیر او مرد و در پایان زن. این یک زنجیره فرمان نیست. در پایان، نه زن بلکه خدا قرار دارد که همه‌چیز از اوست (آیه 12). سه جفت به عنوان قیاس **در کنار یکدیگر** قرار دارند. موضوع یک نظم نجات نیست. رابطه زن با مسیح به هیچ وجه با رابطه مرد (یا شوهرش) با مسیح فرقی ندارد.²⁷



واژه **سر** (Haupt) در کاربرد زبان آلمانی، به معنای مجازی، بی‌درنگ به برداشت «صاحب اقتدار» می‌انجامد، برای نمونه به معنای Hauptmann (سروان، فرمانده). تقریباً همه مفسران نیز آن را چنین می‌فهمند. برخی ترجمه‌ها حتی واژه «سر» را به کار نمی‌برند، بلکه آن را یکسره به صورت تسلیم برمی‌گردانند. ترجمه NeÜ (ترجمه آلمانی کتاب مقدس) بی‌درنگ واژه **Oberhaupt** (رئیس، سرور) را به کار می‌برد و بدین‌سان هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که استدلال پولس برای توجیه پوشش سر زنان ظاهراً بر چه چیزی تکیه دارد. «بیشتر دانشمندان فرض کرده‌اند که موضوع اول قرن‌تین 11:3-16 اقتدار مردان و تسلیم زنان است. این تا اندازه‌ای از آن روست که «سر» در لاتین، انگلیسی و آلمانی استعاره‌ای برای اقتدار است، به‌طوری که معنای «اقتدار» در تاریخ تفسیر این بخش امری بدیهی به نظر رسیده است.»²⁸

از آنجا که در کل این متن اصلاً موضوع اقتدار و تسلیم مطرح نیست، باید روشن کرد که معنای استعاری سر چیست. در این باره، چنان‌که جز این انتظار نمی‌رود، طرفداران سلسله‌مراتب و طرفداران برابری به مشاجره‌ای سخت افتاده‌اند. **به هر حال این متن از معنای سر به عنوان سرچشمه و منشأ پشتیبانی می‌کند (آیه‌های 8 و 12).**

«وستفال استدلال می‌کند که اشاره‌ها به پیدایش 1-2 در این بافت، گوناگونی و گستره ممکن معنای استعاری «سر» در زبان یونانی را محدود می‌کنند تا به سرچشمه حیات اشاره کند، به‌طوری که می‌توان آن را چنین بازگو کرد: **«اما می‌خواهم دریابید که حیات هر مرد از مسیح است، حیات زن از مرد است و حیات مسیح از خداست.»**²⁹ ... «از آنجا که مرد منشأ حیات زن است، سر اوست. اگر مرد سر زن است و آن دو یک تن‌اند، پولس نتیجه می‌گیرد که زن بدن اوست. پولس می‌تواند استعاره «سر» را در کاربردش بر ازدواج، بر مرد و زن، بر رابطه مسیح و کلیسا و بر رابطه مسیح و خدای پدر به کار گیرد؛ او «سر» را به کار می‌برد تا این روابط را به واسطه یکدیگر تفسیر کند.»³⁰

«گستره معنایی κεφαλή (سر یا کله) سر انسان یا حیوان را در بر می‌گیرد که به استعاره‌هایی گسترش یافته که هویت، سرچشمه، حیات و تأمین معاش را شامل می‌شوند. در یونانی اصطلاحی (کاربرد زبان)، به معنای «اقتدار» نبود، چنان‌که از مدخل آن در Liddell and Scott's Greek-English Lexicon پیداست.»³¹ ... «پس پولس κεφαλή را چنین به کار می‌برد: **برای اشاره به منشأ یا سرچشمه حیات و هویت در بافت روابط خانوادگی - شوهر و همسر، کلیسا به عنوان خانواده، و خدای پدر و پسرش عیسی مسیح.**³²

«رابطه بشریت با آدم را الهی‌دانان «سری»، «سر طبیعی» یا «سر عهد» می‌نامند. ... «آدم سر بشریت است، زیرا سرچشمه حیات زیستی است. از این رو هیچ برتری، افتخار، اقتدار یا تکریمی پیش از بشریت یا بر فراز آن به آدم داده نمی‌شود؛ بلکه موضوع رابطه‌ای است بر پایه هویتی که از منشأ برمی‌خیزد و پولس آن را منفی ارزیابی می‌کند. عیسی جای آدم را به عنوان سر می‌گیرد، زیرا عیسی سرچشمه روحانی حیات بخش است که کلیسا را پر می‌سازد، و کلیسا با او یگانگی‌ای اندام‌وار می‌سازد (افسسیان 1:22؛ 4:15-16؛ کولسیان 1:18).»³³

«اگر سری مسیح بر انسان‌ها به عنوان سرچشمه حیات/هستی آنان فهمیده شود، آنگاه قیاس میان سه جفت موازی است، و کاوش در آن سهم فراوانی در فهم ما از الهیات پولس دارد.» ... «به همین ترتیب، توضیح پولس درباره رابطه میان مرد و زن و میان شوهر و همسر را می‌توان هماهنگ با فهم تاریخی سری طبیعی/زیستی آدم تفسیر کرد. این رابطه‌ای خانوادگی است.»³⁴ ... «در فرهنگ یونانی، مفهوم سری یک نیای قبیله، نمایندگی و هویت خانواده را در بر داشت.»³⁵

«سرانجام، آخرین تداعی از سه تداعی "سر" برای کاربرد آن به عنوان مترادف اهمیت دارد. آنتونی تیسلتون (Anthony Thiselton) توضیح می‌دهد که سر کالبدی نماینده کل بدن نیز بود. اگر کسی سر جسمانی خود را بی‌حرمت می‌کرد، کل شخص آلوده می‌شد. پولس خاطرنشان کرد که ظاهر یک شخص بر دیگران و بر خود او بازتاب دارد. پس کاربرد مکرر واژه "سر" برای نشان دادن جایگاه‌های سلسله‌مراتبی یا ایجاد تفاوتی میان دو جنس نبود. بلکه شگردی شاعرانه بود که برای تغییر دادن اعمال عبادی قرن‌تپان به کار می‌رفت، تا از پیوند با دینی بت‌پرستانه پرهیز شود که سخت درگیر آیین‌های جنسی بود.»

معنای استعاری در کاربرد آن زمان گستره‌ای دارد. سر هم نماد یگانگی، هویت و منشأ است و هم نماد بالاترین منزلت یک شخص. روی هم‌رفته نشان می‌دهد که مرد و زن چگونه به هم پیوسته‌اند و نسبت به یکدیگر چه جایگاهی دارند، و انسان چگونه به سر تعلق دارد.

در هم‌رتبگی آنان، بسته به فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، رفتار بیرونی متفاوتی وجود دارد. نقش‌ها متفاوت نیستند؛ در اول قرن‌تپان 11 نقش‌ها درست یکسان‌اند، زیرا هر دو دعا و نبوت می‌کنند. اما در این میان تفاوت‌هایی در ظاهر هست، و این تفاوت‌ها ریشه در فرهنگ آن روزگار دارند. پولس این واقعیت‌های فرهنگی را برمی‌گیرد و حتی می‌تواند آن‌ها را با اندیشه آفرینش پیوند دهد.

4 هر مردی که دعا یا نبوت کند در حالی که چیزی بر سر دارد، سر خود را بی‌حرمت می‌کند.

دعا و نبوت، یعنی سخن نبوتی، بخشی از گردهمایی پرستشی‌اند. حضور خدا در گردهمایی هم در سخن گفتن با خدا، در درخواست و پرستش، آشکار می‌شود و هم در سخن گفتن خدا با جماعت گردآمده. همه اعضای بدن مسیح، مردان و زنان، فراخوانده شده‌اند که هر دو را انجام دهند.

مردان هنگام دعا و نبوت نباید چیزی بر/روی سر داشته باشند. این گفته‌ای از پولس است، بیانی که بدون ارجاع به فرهنگ (دینی) آن زمان روشن نمی‌شود. سال‌های بسیار، مانند دیگران، دلیل آن را در بافت نزدیک، سپس در کل نامه، آنگاه در کل عهد جدید و سرانجام، که از همه کمتر نیست، در عهد عتیق جست‌وجو کردم. بی‌آنکه به نتیجه‌ای معنادار و پذیرفتنی برسم.

رومیان هنگام اعمال دینی سر خود را می‌پوشاندند، اما یونانیان بیشتر چنین نمی‌کردند (کینر (Keener)). مردانی که اکنون به عیسی اعتراف می‌کنند، از رسوم و رفتارهایی که در آیین‌های بت‌پرستی در قرن‌تس و جاهای دیگر رواج داشت فاصله می‌گیرند.

«(مرد) رفتاری ننگین دارد، زیرا هنگام دعا بیشتر به اعتبار شخصی خودش می‌اندیشد تا به جلال عیسی مسیح. در نسبت با مسیح، این گفته به این معناست که پیروان عیسی که در جامعه به طبقات بالاتر تعلق دارند و هنگام دعا جایگاه والای خود را آشکارا به نمایش می‌گذارند، برای مسیح ننگ به بار می‌آورند، زیرا نه مسیح بلکه خود را جلال می‌دهند (مقایسه کنید با واژه δόξα (افتخار، جلال) که در آیه‌های 7-8 سه بار تکرار شده است).³⁶ ... آنان توجه را به خود جلب می‌کنند، به جای آنکه توجه حاضران را به سوی خدا ببرند که همه‌چیز از اوست (آیه 12) و در دعا او را می‌خوانند (آیه 13). در جامعه رومی، برهنه کردن سر - اگر کسی اتفاقاً توگا را بر سر کشیده بود - حضور اشخاص شایسته احترام را نشان می‌داد (پلوتارک، Mor 266).³⁷»

«در این بافت، مرد (بدون پوشش سر) فروتنی خود را نشان می‌دهد، به این صورت که در برابر خدا به عنوان صورت بی‌آرایش خدا ظاهر می‌شود، و زن به خدا، به خود و به خانواده‌اش احترام می‌گذارد، به این

صورت که جلال/زیبایی خود را در انظار عمومی و در جلسهٔ پرستشی پنهان نگه می‌دارد.³⁸ زیرا زنان عکس آن را انجام می‌دهند: سر خود را می‌پوشانند.

مرد کدام سر را بی‌حرمت می‌کند؟ نخست سر خودش را. او خود را به عنوان شخص بی‌حرمت می‌کند، که سر یا کلهٔ او نمایندهٔ آن است. و مسیح، سر خود، را بی‌حرمت می‌کند، زیرا (آگاهانه یا ناآگاهانه) با پوشش سر افتخاری را به خود می‌دهد که در حضور خدا سزاوار آن نیست.

5 اما هر زنی که با سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را بی‌حرمت می‌کند؛ زیرا این درست همان است که گویی سرش تراشیده شده باشد.

«مردان باید هنگام دعا و نبوت سنت نخبه‌گرای رومی را کنار بگذارند که توگا را بر سر می‌کشیدند. اما زنان باید همیشه تنها با پوشش سر دعا و نبوت کنند. عبارت "با سر برهنه" آرایش موی خاصی را برای زنان توصیف نمی‌کند، بلکه پوشش سری پارچه‌ای را، مشخصاً استولای (palla) کشیده‌شده بر سر.»³⁹

«استدلال پولس از این فهم پشتیبانی می‌کند، زیرا می‌گوید سر پوشیده‌نشده برای زن ننگ است، همانند آنکه سرش را بتراشند، کاری که آبرویش را نابود می‌کند و از این رو از ارزشش می‌کاهد (اول قرن‌تین 11:5-6). این معنای سر برهنه را حقوق رومی نیز داشت، که مقرر می‌کرد اگر زنی مانند ماترونا لباس نپوشیده بود (از جمله داشتن حجاب یا بستن موهایش) و مردی می‌کوشید او را اغوا یا آزار کند، آن مرد را نمی‌شد به سبب ضرب و جرح تحت پیگرد قرار داد.»⁴⁰

«پولس زنان قرن‌تسی را نقد می‌کند که با حاضر شدن در گردهمایی کلیسا بدون استولای کشیده‌شده بر سر، آگاهانه یا ناآگاهانه پیام‌هایی غیرکلامی می‌فرستادند که "در دسترس" هستند. اما گردهمایی‌های پرستشی کلیسا جایی نیست که زنان در آن پیام بفرستند و به "اشیایی" تبدیل شوند "که مردان و راندازشان می‌کنند". به این استدلال که موضوع دعا و نبوت زن است و نه حضور در انظار عمومی، از دید پولس می‌توان چنین پاسخ داد که او گردهمایی‌های کلیسا را درست به عنوان فضایی عمومی می‌فهمد که بیرونیان به آن دعوت می‌شوند و در آن حاضرند.»⁴¹

وستفال، برخلاف اشنابل، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، مردان را کسانی می‌بیند که می‌خواستند پوشش سر زنان را از میان بردارند. به هر انگیزه‌ای که بود: آزادی انجیل یا، از جنبهٔ منفی، انگیزه‌های پنهان جنسی. بنابراین پولس به مردانی که از زنان می‌خواستند از پوشش سر چشم بپوشند، به شدت پیش چشم می‌آورد که خواستهٔ آنان در نهایت برای یک زن چه معنایی داشت. زن سر تراشیده همهٔ ننگ را به عنوان زناکار یا روسپی به جان می‌خرد. «پولس حضور عمومی زنان را در جلسهٔ پرستشی با داغ اجتماعی یک زن زناکار رسوا و مجازات‌شده یکی می‌داند که جایگاهش با "اعتبار" یک روسپی برابر بود.»⁴²

6 زیرا اگر زنی پوشیده نیست، پس موی خود را نیز کوتاه کند؛ اما اگر برای زن ننگ است که موی کوتاه یا سرش تراشیده شود، پس بگذارید سر خود را بپوشاند.

چون پیامد این خواسته، یعنی نپوشاندن سر، باید برای زنان ناگزیر تا پایان اندیشیده شود، پولس پیامدهای فاجعه‌بار آن را در بافت اجتماعی برای زنانی که از مردان پیروی کنند و سر خود را نپوشانند تکرار می‌کند. «پولس می‌تواند فرض کند که قرن‌تین این فراخوان طنزآمیز و گزنده را به عنوان استدلال می‌فهمند.»⁴³

«ظاهر زنی که موهایش را کوتاه کرده یا سرش را تراشیده‌اند، "ننگین" است، زیرا این ظاهر یادآور خوار کردن زنی است که زنایش ثابت شده است. ننگ است که آدم در انتظار عمومی به عنوان زناکار رسوا شود و همه او را از موهای تراشیده‌اش به همین عنوان بشناسند. به نظر پولس، درست همین ننگ را باید دید، وقتی زنان بدون پوشش سر در کلیسا حاضر می‌شوند. اگر زنی می‌خواهد از رسوایی عمومی پرهیز کند، **باید سر خود را بپوشاند.**»⁴⁴

این پیامد خواسته چشم‌پوشی از پوشش سر، در بافت فرهنگی روشن است. اما پولس، برای پشتیبانی از پوشش سر، درست از آیه بعد دلایلی الهیاتی نیز از رویداد آفرینش می‌آورد. **به نظرم بسیار مهم است که همین‌جا اشاره کنم: این دلایل فرازمانی نیستند. آن‌ها به پدیده‌ای فرهنگی مربوط‌اند، نه برعکس. پس پولس الهیاتی درباره مسئله جنسیت نمی‌پروراند تا آنگاه ضرورت پوشش سر را از آن استنتاج کند. در آن صورت پوشش سر تا امروز هنجاری می‌بود که زنان باید در جلسه پرستشی رعایت کنند.** اما پوشش سر در قرن بیست و یکم در جهان غرب دیگر موضوعی نیست، هیچ قرارداد اجتماعی‌ای نیست. شرم‌آور است وقتی مسیحیان از آن قراردادی می‌سازند که برای جهان کوچک و جداافتاده خودشان قانون است.

7 زیرا مرد البته نباید سر را بپوشاند،

چون او صورت و جلال خداست؛

اما زن جلال مرد است.

اکنون پولس دریافته‌ها و استنتاج‌هایی از روایت آفرینش می‌آورد که **رفتار فرهنگی آن روزگار زنان و مردان را توجیه می‌کنند، و نه رفتار امروزی را.** موضوع همچنان گردهمایی پرستشی است.

مهم است توجه کنیم که پولس نمی‌گوید زن صورت خدا نیست. او صورت مرد هم نیست، بلکه جلال اوست (مدما (Medema)). استدلال پولس در اینجا ویژه است، زیرا موضوع قراردادهای فرهنگی، یعنی وابسته به زمان، است. از این توازی برمی‌آید: **هر دو صورت خدا هستند، اما زن در عین حال جلال مرد است.**

«در حالی که زن صورت "انسان خاکی" را داشت، در واقع از نظم بالاتر در آفرینش شکل گرفت، زیرا آدم پیش‌تر با عملی مستقیم از سوی خدا شکل یافته و جان یافته بود. زن از او ساخته شد. **از این رو زن جلال مرد است، یا جلال جلال.** اما این "بیشتر" نه در نوشته‌های پولس و نه در روایت آفرینش سلسله‌مراتبی توصیف نمی‌شود. سلسله‌مراتب (فرمانروایی انسان بر زمین و دیگر آفریدگانش) در پیدایش 1:27-28 مطرح می‌شود، اما در پیدایش 2 موضوعات دیگری مطرح است.»⁴⁵

«چگونه می‌توانیم اول قرن‌تین 11:7 را بفهمیم، جایی که پولس می‌گوید مرد در صورت و جلال خداست، اما زن (در مقابل) جلال مرد است؟ پاسخ این است که **حوا، مانند هر یک از فرزندان آدم و حوا، هویتی چندگانه داشت: هم به صورت خدا آفریده شده بود و هم جلال آدم بود، زیرا مستقیماً از او آفریده شد. او به گونه‌ای یگانه به شباهت آدم بود و حتی بخشی از او، به طوری که آن دو به شیوه‌ای جدایی‌ناپذیر یک تن بودند که با رابطه فرزندان با والدین فرق داشت (پیدایش 2:23-24).**»⁴⁶

«این گفته قابل فهم می‌شود اگر ببینیم که پولس درباره ذات انسان در تفاوت مرد و زن اظهار نظر نمی‌کند، بلکه در بافت مسئله پوشش سر تأکید می‌کند که زن "بازتاب درخشش" مرد است. این گفته که زن δόξα (جلال) مرد است، "به معنای کاستن از کیفیت صورت خدا بودن زن و در نتیجه پایین آوردن شأن

او نیست، زیرا پولس از پیدایش 2 استدلال می‌کند که بر پایه آن زن درست استخوانی از استخوان‌ها و گوشتی از گوشت مرد است و از این رو، برخلاف همه موجودات زنده دیگر، هم‌شان اوست».⁴⁷

چنان‌که در بالا گفته شد، زن صورت آدم را دارد (اول قرن‌تین 15:49)، و در مسیح او نیز، مانند بقیه بشریت، صورت و جلال خدا را دارد. اما پولس همچنین می‌گوید که ظاهر مرد صورت و جلال خدا را به گونه‌ای نشان می‌دهد که با ظاهر زن فرق دارد، زیرا ظاهر یا زیبایی زن جلال مرد است (اول قرن‌تین 11:7). **پولس اشاره می‌کند که «جلال مرد» (یعنی همسرش) باید هنگام پرستش پوشیده یا پنهان باشد، تا در پرستش موضوع، تکریم یا جلال دادن مرد یا زن نباشد.**

«اما وقتی پای ظاهر بیرونی در میان است، میان جلال مردان و جلال زنان تفاوتی هست. پولس، هماهنگ با فرهنگ، باور داشت که خدا زن را آفرید تا جذاب‌تر یا پرجلال‌تر باشد، به‌طوری که او جلال مرد است.»⁴⁸

8 زیرا مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است؛

زن چگونه جلال مرد شد؟ مرد چگونه سَر، یعنی منشأ زن، شد؟ زن از او، از پهلوی او، آفریده شد. «از این رو هر فرضی که نقل‌قولی از روایت آفرینش لزوماً به هنجاری متعالی اشاره دارد، پیش‌فرضی مسئله‌دار است. هم عیسی و هم پولس باور داشتند که گزارش کتاب مقدس درباره آفرینش بشر به صورت مرد و زن، هنجارهایی متعالی درباره جنسیت منتقل می‌کند، اما پولس آن را برای پشتیبانی از استدلالش به سود حجاب در اول قرن‌تین 11:3-16 نیز نقل کرد، که بنابراین کاربردی وابسته به فرهنگ است. این مغالطه‌ای منطقی است که ادعا کنیم هنجارهای متعالی یا اصول جهان‌شمول تنها برای پشتیبانی از نتیجه‌گیری‌های هنجاری یا جهان‌شمول به کار می‌روند.»⁴⁹

موضوع ذات یا کارکرد مرد و زن نیست، بلکه نسبت آنان با یکدیگر در بافت جامعه است، چنان‌که آیه 9 نشان می‌دهد.⁵⁰

9 زیرا مرد نیز به خاطر زن آفریده نشد، بلکه زن به خاطر مرد.

«پولس تأکید می‌کند که زن از آفرینش با مرد نسبت دارد و به سوی او جهت یافته است. اینکه این به معنای پایین شمردن نیست و به قصد زیان نیست، نه از عبارت $\delta\alpha\chi$ + مفعولی، بلکه از روند استدلال در این بافت برمی‌آید که در آن موضوع ذات یا کیفیت مرد و زن نیست، و نیز از آیه‌های 11-12. این واقعیت که در جامعه رومی-هلنیستی همسران اغلب به مراتب جوان‌تر از شوهرانشان بودند، به زنان قرن‌تس کمک می‌کرد تا استدلال تقدم زمانی و نسبت کارکردی مرد و زن را بفهمند که پولس از داستان آفرینش در کتاب مقدس می‌پروراند.»⁵¹

اما سه چیز کمک می‌کند تا در تفسیر معنای «زن برای مرد آفریده شد» (11:9) بازاندیشی کنیم: نخست، ادعای «زن برای مرد آفریده شد» گفته «زن جلال مرد است» را تأیید می‌کند؛ دوم، این ادعا به واسطه روایت آفرینش در پیدایش 2:4-25 تفسیر می‌شود؛ سوم، این ادعا دلیل نتیجه‌گیری «زن باید بر سَر خود اقتدار داشته باشد» (آیه 10) را فراهم می‌کند.⁵²

آیه 9 این تصور را پدید می‌آورد که اولویت از آن مرد است و زن «فقط» به عنوان مکمل عمل می‌کند. اما چنان‌که وستفال تأکید می‌کند، آفرینش حوا نشانه نیازمندی آدم به یاری است. از این رو جایگاهی «نیرومند»

به زن تعلق می‌گیرد، جایگاهی با مسئولیت خودش. این اکنون در آیه 10 به عنوان تأیید بیان می‌شود!

10 از این رو زن باید به خاطر فرشتگان اقتداری بر روی سر داشته باشد.

ترجمه‌های بی‌شماری در اینجا «نشانه اقتدار یا قدرت» را به متن یونانی افزوده‌اند! در آنجا فقط قدرت، اختیار یا اقتدار آمده است. این افزوده مرا شگفت‌زده نمی‌کند، زیرا – چنان که در آغاز گفته شد – این متن پولس به عنوان تأیید سلسله‌مراتب مرد بر زن فهمیده شده و این بر ترجمه اثر گذاشته است. به بیان دیگر، این افزوده خودش تفسیر است. این آیه را می‌توان به همان خوبی – یا بهتر: باید – چنین برگرداند:

از این رو زن باید به خاطر فرشتگان بر سر خود اختیار داشته باشد.

(چنین است نظر اشنابل (Schnabel)، وستفال (Westfall)، بوشنل (Bushnell)، کینر (Keener)، شیرماخر (Schirrmacher) و دیگران)

«به عنوان مفهومی انتزاعی، به معنای "قدرتی" (یعنی کنترلی) بر سرش"، یعنی بر خودش. معنای اخیر با این‌ها مطابقت دارد: الف) کاربرد رایج واژه ἐξουσία (اختیار) به عنوان مفهومی انتزاعی به معنای "قدرت" (یعنی قدرتی که آدم دارد، نه قدرت دیگران که به طور منفعل تجربه می‌شود)، ب) ساختار نحوی این عبارت، و ج) روند استدلال.⁵³

پولس اشاره می‌کند که در جماعت مسیحی حجاب داشتن حق زن است، و این نماد را دگرگون می‌کند. بنابراین صریحاً نشانه انقیاد یا تسلیم سلسله‌مراتبی نیست. این می‌تواند به این معنا باشد که زن باید بتواند در امور پوشش زنان داوری خود را به کار گیرد، زیرا او مقرر شده است که جهان و فرشتگان را داوری کند، چنان که پولس پیش‌تر در اول قرن‌تین 2:6-3 گفت. «همسر با داشتن پوشش سر سنتی، کنترل خود را بر سرش نشان می‌دهد، به این صورت که وفاداری‌اش به شوهر و نیز جایگاه اجتماعی شخصی‌اش را می‌پذیرد. از پیام‌های شهوانی که زنان با برهنه کردن سر در فضای عمومی گردهمایی کلیسا می‌فرستند پرهیز می‌شود، نسبت مرد و زن حفظ می‌ماند و بیان واقعیت خدا از سوی زن در دعا و سخن نبوتی اصیل می‌ماند.»⁵⁴

«در نتیجه، مرد و زن در الهیات پولس درباره منشأها صریحاً به یکدیگر وابسته‌اند. پولس در بافت اول قرن‌تین 3:11-16 با زیرکی دیپلماتیک هر گونه استقلال نابجای زنان را تعدیل می‌کند که از پشتیبانی او از خواست آنان برای حجاب داشتن برمی‌خیزد.»⁵⁵

درباره این پرسش که موضوع کدام فرشتگان است، اشنابل چنین جمع‌بندی می‌کند: «امکان‌های تفسیری زیر برای فرشتگان پیشنهاد شده است. 1. رهبران کلیسا، مانند مکاشفه 2:2. 2. فرستادگانی از کلیساهای دیگر که از رفتار زنان در کلیسای قرن‌تس لغزش می‌خورند. 3. فرستادگانی از سوی شهروندان بی‌ایمان که به جماعت مسیحی علاقه دارند و یک تحت‌الحمايه (یا برده) را به گردهمایی کلیسا می‌فرستند تا گزارشی از فعالیت‌های پیروان عیسی به دست آورند. 4. فرشتگانی که در بامداد عید پاک خبر برخیزاندن عیسی را به زنان اعلام می‌کنند. 5. فرشتگانی که بنا بر اشعیا 6:2 در برابر تخت خدا روی و پاهای خود را با بال‌هایشان می‌پوشانند. 6. فرشتگان سقوط‌کرده پیدایش 1:6-4 که زنانی که با سر برهنه دعا می‌کنند قربانی آنان می‌شوند. 7. فرشتگانی که ایمانداران بر آنان داوری خواهند کرد (مقایسه کنید با 6:3). 8. فرشتگان نیکو که

در جلسهٔ پرستشی حاضرند، نمایندهٔ خدا هستند و دعا و نیوت را میانجی می‌شوند. تفسیر سوم و دو تفسیر آخر از همه پذیرفتنی‌ترند.⁵⁶

من مانند وستفال با نکتهٔ 7 موافقم، زیرا داوری بر فرشتگان به جایگاه بسیار والای ایمانداران، از جمله زنان، اشاره دارد که باید با بلوغ، قدرت تشخیص روحانی و حکمت همراه باشد.

11 با این حال، نه زن بدون مرد است

و نه مرد بدون زن

در خداوند.

زنان، با همهٔ استقلال و مسئولیت شخصی‌شان در مسئلهٔ پوشش سر، با مردان پیوسته می‌مانند، در ازدواج و در کلیسا، متأهل و مجرد. پولس بر وابستگی متقابلی تأکید می‌کند که نمی‌توان آن را دقیق‌تر از این بیان کرد. و چنان‌که با رویداد آفرینش مطابقت دارد. هر که از آیه‌های 8 و 9 نتیجه بگیرد که زن چیزی مانند کنیز، پست‌تر، یا کسی است که باید بر او فرمانروایی کرد یا هدایتش کرد – چه در ازدواج، چه در خانواده و چه در کلیسا – در اشتباه است. پولس پیشگیری می‌کند و بی‌هیچ سازشی بر برابری زن و مرد تأکید می‌کند. **«در خداوند» هستی آفرینش تازه را توصیف می‌کند که از فرهنگ زمانه‌اش متمایز می‌شود، فرهنگی که در آن این هم‌شانی و برابری وجود نداشت!**

«زن پست‌تر نیست، بلکه «در خداوند» مرد و زن با حقوق برابر به یکدیگر نیازمندند. اما Πλήν همیشه معنای تقابلی ندارد؛ نزد پولس معنای «فقط، به هر حال» را دارد، «که بحث را به پایان می‌برد و نکتهٔ اساسی را برجسته می‌کند». پولس می‌نویسد: **اما در خداوند نه زن بدون مرد (چیزی) است و نه مرد بدون زن.** عبارت «در خداوند» که در ترجمه در آغاز آمده، در متن یونانی در پایان جمله قرار دارد، یعنی در جایگاهی مؤکد. پولس تأکید می‌کند که مرد و زن به یکدیگر مربوط‌اند. **جملهٔ «زن بدون مرد هیچ است» در جامعهٔ هلنیستی-رومی چندان شگفت‌انگیز نیست، شاید جز از دید نگرش «زن نو» (بنگرید به توضیح آیهٔ 5).** **شگفت‌انگیز جملهٔ «مرد بدون زن هیچ است» است. این جملهٔ موازی هم‌رتبگی مرد و زن را به عنوان پیامد عمل نجات‌بخش خدا در عیسی مسیح برجسته می‌کند.»⁵⁷**

12 زیرا همان‌گونه که زن از مرد است،

مرد نیز به واسطهٔ زن است؛

اما همه‌چیز از خداست.

پولس استدلال خود را از آیهٔ 11 ژرف‌تر می‌کند و در اندیشه درست مانند آیهٔ 8 پیش می‌رود. زن، یعنی حوا، از آدم ساخته شد. بدون آدم حوایی نمی‌بود. رویدادی یگانه، آغازی به معنای واقعی کلمه. از آن پس هر مردی بارها و بارها از زنی زاده می‌شود.

از این هیچ‌کس نمی‌تواند برای خود برتری یا اولویت استنتاج کند؛ هر کس ارزشی دارد که خدا به او بخشیده است. زیرا همه‌چیز از خدا، آفریدگار، آن سر، سرچشمه می‌گیرد.

13 خودتان داوری کنید: آیا شایسته است که زن با سر برهنه نزد خدا دعا کند؟

پولس قدرت تشخیص روحانی را به چالش می‌کشد. او مردان قرن‌تس را خطاب می‌کند و با اصرار از آنان می‌پرسد. اگر از زنان یا از برخی زنان می‌خواهند که سر خود را نپوشانند، عناصر اساسی‌ای را که با پوشش

سر پیوند داشت فراموش می‌کنند.

«او استدلال می‌کند که می‌خواهد همه زنان هنگام دعا و نبوت موی خود را بپوشانند، حتی آنانی که در فرهنگ اجازه حجاب ندارند، مانند کنیزان.»⁵⁸

«در آیه 13 پولس با شایستگی استدلال می‌کند، استدلالی که باید مسیحیان قرن‌تس را قانع می‌کرد: **آیا برای زن شایسته است که با سر برهنه نزد خدا دعا کند؟** اگر اصطلاح τὸ πρέπον در دوران هلنیستی معنایی داشت که مانند τὸ ἀγαθόν و τὸ δίκαιον، τὸ καλόν، "تمام زندگی را در بر می‌گیرد، زیرا زندگی اجتماعی انبوهی از فضیلت‌ها را می‌طلبد"، پس مسائل قاعده پوشش را نیز در بر می‌گیرد.»⁵⁹

«عبارت πρέπον ἐστίν (آیا شایسته است، آیا آبرومندانه است) در متن‌های هم‌روزگار به این انتظار اشاره دارد که آدم مطابق هنجارهای موجود رفتار کند - مقوله‌ای بنیادین در فرهنگ رومی، به ویژه در پی قوانین ازدواج آگوستوس که در آن رفتار تا قاعده پوشش تنظیم شده بود. چون قرن‌تس هنجارها و انتظارات جامعه را می‌شناختند، پولس انتظار دارد که آنان به پرسش مطرح‌شده پاسخ "آری" دهند.»⁶⁰ «موضوع رسمی نیست که شیوه درست دعا کردن را تنظیم کند، بلکه هنجارهای شایستگی است که در جامعه معتبرند، که قرن‌تس آن‌ها را می‌شناسند و هستی تازه "در خداوند" آن‌ها را لغو نکرده است.»⁶¹

«حکم حجاب را نباید نه جدل علیه زنان دانست و نه تسلیم زن به مرد، زیرا حجاب محافظ او و نشانه جایگاه و آبرویی بود که یک زن می‌توانست در فرهنگ یونانی-رومی داشته باشد.»⁶²

این نکته را تکرار می‌کنم که پاسخی که پولس انتظار دارد، پایه‌ای الهیاتی ندارد، بلکه اجتماعی و فرهنگی است: آدم خود را هماهنگ می‌کند تا درست سبب لغزش نباشد.

14 آیا خود طبیعت نیز به شما نمی‌آموزد که اگر مردی موی بلند داشته باشد، برای او بی‌حرمتی (ننگ) است،

«نخست پولس باز از مرد سخن می‌گوید: **آیا خود طبیعت نیز به شما نمی‌آموزد که برای مرد ننگ است اگر موی بلند داشته باشد؟** پولس باز انتظار دارد که به این پرسش، چنان‌که بدیهی است، پاسخ "آری" داده شود. اصطلاح "طبیعت" (φύσις) به نظم پذیرفته‌شده طبیعت اشاره دارد که سرشت مردان و زنان و ظاهر مردان و زنان جزو آن است. بدیهی است که پولس نمی‌خواهد بگوید "طبیعت" موی مردان را کوتاه می‌رویاند. اشاره به "ننگ" (ἀτιμία)، مانند πρέπον در آیه 13، رسمی را نام می‌برد که در نظم طبیعی امور به عنوان هنجار پذیرفته شده است. با استناد به طبیعت، موافقت کامل انتظار می‌رفت. حتی بالاترین نمایندگان دولت و دستگاه اداری آن با طبیعت یک امر استدلال می‌کردند، "که به این گونه استدلال‌ها بالاترین اعتبار را می‌بخشد."»⁶³

«مردان بالغی که در قرن‌تس زندگی می‌کردند، نه موی بلند بلکه موی کوتاه داشتند. موی بلند نشانه انکار مردانگی بود و اغلب گمان تمایلات همجنس‌گرایانه منفعلانه را برمی‌انگیخت که در جامعه رومی از نظر اجتماعی داغ ننگ داشت. پولس به مسیحیان قرن‌تس یادآوری می‌کند که اعضای مرد کلیسا باید طبق معمول موی کوتاه داشته باشند.»⁶⁴

طبیعت می‌آموزد؟ آیا طبیعت معلم شاگرد عیسی است؟ قطعاً نه، زیرا معلم او روح‌القدس است و نه طبیعتی که گناه به آن دست‌درازی کرده و آسیب زده است. نه، چنان‌که اشنا بل می‌نویسد، موضوع نظم ثابتی در جامعه است، آنچه مردم در دوره‌های طولانی چنین انجام می‌دهند و بدین‌سان به فرهنگ تبدیل

شده است. یافتن مقایسه‌ای مناسب از زمانه ما دشوار است. زیرا امروز در آرایش مو و پوشاک همه‌چیز ممکن است. دوران پست‌مدرن ما، که در آن هیچ حقیقت مطلقى نباید وجود داشته باشد، با فردگرایی مطلق رقم خورده است.

طبیعت در این استدلال نظمی ذهنی است، چنان‌که کم‌وبیش در دوران باستان از سوی مردم پذیرفته شده بود و بر پایه‌اش زندگی می‌کردند. بی‌حرمتی – یا با ترجمه‌ای تندتر: ننگ – نه در برابر خدا، بلکه در برابر مردم قرنتس و برای آنان است. موی بلند نذیره یا ابشالوم یا شمشون، یا پولس و شاید عیسی، در برابر خدا ننگ نیست. ننگ با لغزش هم‌پیوند است، لغزشی که مسیحیان به خاطر انجیل باید تا آنجا که به عنوان پیروان عیسی برایشان ممکن بود از آن پرهیز می‌کردند.

فقط به‌اختصار به برداشت فیزیولوژیکی اشاره می‌کنم که از قرن‌ها پیش شکل گرفته و جا افتاده بود. بنا بر این برداشت، نطفه (منی) مرد در سر شکل می‌گرفت و از آنجا می‌آمد. موی بلند جریان نطفه را باز می‌داشت یا کند می‌کرد و به تولیدمثل زیان می‌رساند.

15 اما اگر زنی موی بلند داشته باشد، برای او افتخار است، زیرا مو به جای حجاب به او داده شده است؟

اکنون «طبیعت» دربارهٔ زنان و آرایش یا سرشت موی آنان چه می‌آموزد؟

«برای زنان رسم دیگری است. آیا طبیعت به شما نمی‌آموزد که برای زن اما افتخار (است) اگر موی بلند داشته باشد؟ زنان موی بلند داشتند. تندیس‌ها زنان را همیشه با موی بلند نشان می‌دهند. به‌ویژه نزد زنان مرفه‌تر، موی بلند با هنرمندی آرایش می‌شد.»⁶⁵

در دوران باستان موی زن معمولاً موضوع هوس به شمار می‌رفت (کینر (Keener)). هر زنی که آن را نمی‌پوشاند – بنا بر این برداشت – می‌خواست هوس برانگیزد. زنان طبقهٔ بالا گاه این را نادیده می‌گرفتند تا موهای بافته‌شده با زحمت فراوان و زیورهای را که در آن داشتند به نمایش بگذارند. در کلیسای قرنتیان و نیز در جاهای دیگر، فرهنگ‌های گوناگون با هم روبه‌رو می‌شدند.

«به نظر می‌رسد پولس، به سبب شیوه‌ای که جلال را بر زنان و موی آنان به کار می‌برد، باور دارد که زنان از نظر ظاهری جلال جلال‌اند – یعنی زنان جلال بزرگ‌تری دارند. این واقعیت که زن به خاطر مرد آفریده شد (اول قرنتیان 11:9)، به هدف زیبایی بیشتر او و جاذبه‌اش برای مردان اشاره دارد. همچنین نشان می‌دهد که آدم کسی بود که به حوا به عنوان همدم و شریک نیاز داشت؛ او از آفرینش حوا سود برد، نه برعکس.»⁶⁶

«بلکه استدلال پولس این است که "سر" زن در پرستش باید پوشیده باشد تا افتخار به سوی خدا معطوف شود. استعارهٔ "سر" برای این استدلال اساسی است. مرد سر زن است (به معنای تحت‌اللفظی)، سی زن پیش از همه جلال شوهرش است، و موی سرش جلال اوست، و نیز جلال شوهرش.»⁶⁷

«زیبایی زن حسادت برمی‌انگیزد و هم‌زمان جایگاه شوهرش را نشان می‌دهد، چیزی که در رقابت مستقیم با جلال خدا در پرستش قرار می‌گرفت. موضوع افتخار و جلال خداست، نه افتخار و جلال مردان در کلیسای خانگی و نیز نه جلال و زیبایی زنانی که دعا و نبوت می‌کنند.»⁶⁸

«این البته نقطهٔ آغاز استدلال پولس است، و به نظر می‌رسد او آرمان‌های فرهنگی دربارهٔ رابطهٔ زن با paterfamilias (سرپرست خانواده) را تأیید می‌کند، اما سیر استدلال او در واقع رابطهٔ میان مردان و زنان را

برابر ساخته، ارزش هر یک را تعیین کرده و دوسویه بودن منشأ آنان را برجسته کرده است: هرچند زن از مرد آمد، مرد نیز از زن آمد. **کانون توجه و دغدغه او تأیید یا تقویت اقتدار یا کنترل شوهران بر همسرانشان نیست، بلکه اطمینان از این است که خدا جلال یابد.**⁶⁹

«زن جلال مرد است، و موی او جلال اوست؛ از این رو باید آن را هنگام پرستش بپوشاند. پولس می‌گوید که مو جلال زن است، زیرا ردا/پوشش اوست (اول قرنتیان 11:15). **این یعنی موی زن مانند زیوری برای زیبایی (مانند شل/حجاب) عمل می‌کند که ظاهر او را برجسته می‌سازد.** فرهنگ‌هایی که حجاب دارند باور دارند که موی زن آبرومند باید برای شوهرش نگاه داشته شود تا او آن را ببیند و از آن لذت ببرد، و از این رو نباید در انتظار عمومی دیده شود.»

16 اما اگر کسی ستیزه‌جو بودن را نیکو می‌شمارد، ما چنین عاداتی نداریم و نه جماعت‌های خدا.

در قرن‌تس بر سر چیزهای بسیار به اندازه کافی ستیزه بود. نباید بر سر پوشش سر نیز ستیزه دیگری درمی‌گرفت. رسم مردان با سر پوشیده یا زنان با سر برهنه هنگام مشارکت در جلسه پرستشی نباید وجود می‌داشت، و ظاهراً در هیچ جای دیگر نیز شناخته‌شده یا رایج نیست. این واپسین استدلال در برابر شکاکان قرن‌تس است که همه‌چیز را زیر سؤال می‌برند: همه مسیحیان و کلیساهای (در امپراتوری روم) آن را همان‌گونه به‌جا می‌آوردند که پولس توصیف کرده است. مردان بدون پوشش سر و زنان با پوشش سر در گردهمایی دعا می‌کنند.

«پولس در آیه 16 ب ("ما چنین رسمی نداریم و کلیساهای خدا نیز ندارند") با این اشاره سخن را به پایان می‌برد که هیچ سنت رسولی‌ای نیست که بتواند چنین رسمی را توجیه کند. و اشاره می‌کند که در هیچ‌یک از کلیساهای خدا (αἱ ἐκκλησίαι τοῦ θεοῦ) نمونه‌ای همانند برای این رفتار وجود ندارد. کریستیان ولف (Chr. Wolff) چنین تفسیر می‌کند: "اگر قرنتیان به نوآوری خود پایبند می‌ماندند، از مشارکت با دیگر جماعت‌های نجات‌یافته که زیر اقتدار خدا هستند جدا می‌شدند."⁷⁰

اهمیت امروزی

کلام خدا بی‌زمان است. هیچ کلمه‌ای از میان نخواهد رفت. اما چیزهایی هست که به دوره‌ای معین تعلق دارند و خطاب به همان دوره‌اند.

زنان می‌بایست با پوشاندن سر از جلب توجه به خود، از نشان دادن جلال موهایشان و از پرت کردن حواس مردان (و شاید برخی زنان) پرهیز کنند. جلال خدا باید برافراشته، ستوده و تمجید می‌شد. جلال خدا، حضور او، کانون گردهمایی بود. امروز نیز هیچ چیز در جلسه پرستشی نباید انسان را برافرازد؛ هیچ‌کس نباید توجه یا افتخار را به خود جلب کند.

زنان نباید با ظاهرشان، با زیبایی طبیعی یا آراسته‌شان، چیزی از جلال خدا بکاهند. **این اصل اخلاقی متن است که تا امروز معتبر است. هیچ سخنران، هیچ واعظ، هیچ کسی که شرح زندگی یا گزارش بشارتی می‌دهد، هیچ خواننده، هیچ نوازنده، هیچ انسانی نباید - امروز درست مانند آن زمان - با پوشاک توجه را به خود جلب کند.**

«درباره رسم پوشش سر باید گفت که در جوامع غربی مدت‌هاست دیگر رایج نیست که زنان جایگاه خود را به عنوان همسرانی وفادار با پوشش سر نشان دهند [در کشورهای اسلامی، و از این رو در کلیساهای

مناطق اسلامی، وضع فرق می‌کند! – HJR]. اگر همسران مسیحی در چنین وضعیتی بدون پوشش سر در کلیسا فعال‌اند، درست به این دلیل است که در فضای عمومی شهری که در آن زندگی می‌کنند نیز بدون پوشش سر رفت‌وآمد می‌کنند. **نبود پوشش سر هیچ پیامی نمی‌فرستد. اگر برخی مسیحیان خواستار آن‌اند که همسران از روی "اطاعت از کتاب مقدس" امروز هم پوشش سر داشته باشند، آنگاه دستورهای پولس رسول درست "از روی اطاعت" فهمیده و به‌جا آورده نمی‌شوند: موضوع پولس پوشش سر نیست، بلکه بی‌اعتنایی آگاهانه و تمسخر قراردادهای سنتی است که برای کل جامعه مهم و بنیادین‌اند.** اگر زنان در کلیساهای اروپای غربی پوشش سر داشته باشند، این آن هماهنگی با یک قرارداد نیست که پولس می‌خواست، قراردادی که نماد پاکدامنی و همبستگی یک همسر بود، بلکه رفتاری است که درست هماهنگ نیست – در غرب، همبستگی زناشویی و نجابت دیگر به‌ندرت با شیوه معینی از پوشش نمادین می‌شود. این کار بیشتر به صورت گفتاری انجام می‌شود، یعنی با سخنانی مشخص درباره ارزش ازدواج و همسر.⁷¹ و البته با حلقه ازدواج، که آشکارا نشان می‌دهد صاحبش در رابطه (زناشویی) پایداری زندگی می‌کند و نه برای رابطه‌ای تازه آزاد است و نه در پی ماجراجویی‌های جنسی است. حلقه ازدواج تنها تا اندازه‌ای از این امور محافظت می‌کند؛ موضوع خود نشانه است.

کسی که امروز با این حال پوشش سر را برای زنان مقرر می‌کند – یا زنی که آن را برای خود مقرر می‌کند – هنوز آزادی انجیل را که به آن فراخوانده شده‌ایم نفهمیده است.

در ادامه **برگردانی توضیحی و آزاد (بازگویی)** از اول قرن‌تین 11:3-16 می‌آید – همان‌گونه که این بخش را به‌اختصار توضیح می‌دادم.

برای من مهم است که شما قرن‌تین آگاه باشید که منشأ، یعنی سر هر مرد، مسیح است، ماشیح. مرد به واسطه او آفریده شد. و شما به عنوان مردان به او تعلق دارید، و این را می‌توان در گردهمایی دید.

سر زن، مرد است. زن از پهلوی او آفریده شد تا با او یکی شود. او سر، زن بدن. مرد منشأ اوست و زن نیز به او تعلق دارد، چیزی که در گردهمایی دیده می‌شود.

این نسبت را در مسیح نیز می‌بینیم. سر او خداست. خدا او را مولود ساخت، پسرش را، که با او برابر است.

اگر مردی در قرن‌تس در گردهمایی با صدای بلند نزد مسیح یا خدا دعا کند یا سخن نبوتی بگوید و در این حال سرش را پوشانده باشد، این ننگ است. او به خودش افتخار می‌دهد، نه به مسیح. زیرا بت‌پرستان هنگام قربانی کردن برای بت‌ها سر خود را

می‌پوشانند. مرد با سر برهنه فروتنی نشان می‌دهد و به آن متعال، به مسیح نادیدنی، جلال می‌دهد.

نزد زنان درست برعکس است. زنانی که در گردهمایی دعا می‌کنند و سخن نبوتی می‌گویند و سر خود را نمی‌پوشانند، بر سر خود ننگ می‌آورند. آنان خود و شوهرشان، یعنی سر خود، را بی‌حرمت می‌کنند. زیرا توجه را به خود جلب می‌کنند.

اگر کسی می‌خواهد که زنان نیز مانند مردان نیازی به پوشاندن سر نداشته باشند، این فکر را تا پایان نمی‌اندیشد. زیرا شما که می‌دانید، زن با سر برهنه در قرنتس سرتراشیده به شمار می‌آید و همانند زنی است که تن‌فروشی می‌کند یا در پی دیدارهای جنسی است. اگر حجاب ندارد یا سر خود را نمی‌پوشاند، پس منطقاً باید موی خود را نیز کوتاه کند یا سرش را یکسره بتراشد.

می‌دانم که شما چنین قصدی ندارید! اما در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، پیامدش همین می‌بود! پس خطر نکنید که سبب لغزش کسانی شوید که نزد شما می‌آیند و می‌بینند که رسم رایج پوشیده بودن سر زنان در انتظار عمومی رد می‌شود.

مردان نباید در گردهمایی، در حضور خدا، سر خود را بپوشانند. زیرا مرد صورت خدا و بازتاب جلال اوست.

زن نیز به نوبه خود صورت خداست، اما افزون بر آن بازتاب جلال مرد نیز هست. زیبایی او زیبایی شوهرش است که با او یکی است.

او چگونه توانست جلال مرد شود؟ قطعاً نه به این دلیل که مرد از او آفریده شد، بلکه به این دلیل که او از مرد، از پهلوی او، شکل گرفت.

و او جلال مرد است، نه به این دلیل که مرد به خاطر او آفریده شد، بلکه برعکس. او به خاطر مرد آفریده شد، زیرا مرد تنها بود و به یاری نیاز داشت. و او به عنوان زن برای مرد زیبا و خواستنی بود.

چون زن چنین ارزش بزرگی دارد و برای مرد چنین سودمند است، از این رو باید خودش درباره سر خود تصمیم بگیرد؛ اینکه آن را بپوشاند یا نه. هیچ‌کس حق ندارد این را برایش

مقرر کند. نه شوهرش و نه رهبران کلیسا حق ندارند به او دستور دهند که پوشش سر نداشته باشد.

اما زن در استقلال و آزادی تصمیمش باید توجه داشته باشد که از مرد جدا یا مستقل نیست. او در کلیسا بدون مرد وجود ندارد و مرد نیز بدون زن وجود ندارد. اندیشه خدا همیشه با هم بودن و همراهی مرد و زن بوده است. آنان در یگانگی سر و بدن با هم عمل می‌کنند، هماهنگ، با مشورت، در صلح، تسلیم یکدیگر، مکمل هم.

اینکه یکی بدون دیگری وجود ندارد یعنی چه؟ یک بار دیگر آفرینش نخستین زوج انسانی را به یاد آورید. زن در آغاز از مرد آمد. از پهلوی او. با او نسبت یافت تا باز با او یک تن باشد. اما فراتر بیندیشید: از آن پس هر مردی از زنی می‌آید. بدون مرد زنی نمی‌بود و بدون زن مردی نمی‌بود. هر دو هم‌شأن، هم‌ارزش و برابرند، مکمل کامل یکدیگر در تفاوتشان. همه این‌ها اندیشه خدا بود. او آن سری است که همه این‌ها از او پدید آمده است.

با توجه به این از شما می‌پرسم: آیا شایسته است که زنی در جمع، اما بی‌حجاب و با سر برهنه، نزد خدا دعا کند؟ نه، شما موافقت خواهید کرد که با توجه به رسوم قرن‌تس و امپراتوری روم شایسته نیست.

آری، آداب و رسومی هست که برای مردم مانند قوانین طبیعت است. اگر مردی برخلاف آداب و رسوم موی بلند داشته باشد، این ننگ شمرده می‌شود. در اینجا نیز نزد زنان درست برعکس است. موی بلند زنان جلال آنان است، زیور طبیعی‌شان، که آن را به همین عنوان نیز احساس می‌کنند. موی بلند همچون حجاب یا شنی آراینده به زن داده شده است تا جلال مرد باشد.

این زیور را، که برای مردان چنین خواستنی می‌نماید، زن باید در گردهمایی بپوشاند. اینجا جای آن نیست که با این جلال ظاهر شود، درست همان‌گونه که مرد باید فروتنی خود را با سر برهنه نشان دهد. زیرا موضوع افتخار و جلال خدا و مسیح است. اوست که ما را به بار پادشاه همه پادشاهان دعوت می‌کند.

اگر کسی در قرن‌تس می‌خواهد درباره این موضوع بحث کند و این رسم پوشش سر را زیر سؤال می‌برد، باید آگاه باشد که چنین چیزی هیچ‌جا وجود ندارد: اینکه زنان با سر

برهنه دعا کنند، چنان که شما می‌خواهید برای زنان مقرر کنید و با خودتان چنین می‌کنید. هیچ کلیسایی چنین کاری نمی‌کند؛ پس به آنچه معمولاً درباره پوشش سر معتبر و آبرومند است و هیچ کس را نمی‌لغزاند پایبند باشید.

پایان و جمع‌بندی

«زبان این بخش و نتیجه‌گیری پولس نشان می‌دهد که کسی می‌خواست حجاب را در کلیساهای خانگی قرن‌تس یا محدود یا ممنوع کند، اما همه زنان، برخی زنان یا یک زن می‌خواستند حجاب داشته باشند. نخست پولس روایت آفرینش را به اختصار جمع‌بندی می‌کند و توضیح می‌دهد که آفرینش زن از مرد و برای مرد دلیل آن است که زن جلال مرد است. مرد سر اوست، زیرا زن از او آفریده شد، و در نتیجه سر زن جلال او را بازتاب می‌دهد یا به گونه‌ای بیان می‌کند. در روایت کتاب پیدایش، زن همچنین جلال مرد بود، زیرا به‌ویژه آفریده شد تا او را به خود جذب کند، برخلاف همه حیوانات (پیدایش 2:18-23).»⁷²

«متن‌های پولس الهیاتی درباره دو جنس (Gender) در بر دارند که در این تحقق می‌یابد که پولس چگونه روایت آفرینش را با مفاهیم و نمادهای فرهنگ یونانی-رومی و اصطلاحات زبان یونانی توضیح می‌دهد. پولس با به کار بردن استعاره "سر" برای آدم نشان می‌دهد که حوا، مانند بقیه بشریت پس از آدم، چند هویت دارد. زنان صورت خدا، صورت آدم و نیز "جلال مرد" اند. توصیف پولس از زن به عنوان "جلال مرد" به تسلیم یا جلالی کمتر اشاره ندارد، بلکه به جلالی افزوده اشاره می‌کند: قدرت زیبایی او بر مردان. به همین سان نمی‌توانیم برتری مرد را به گزارش کوتاه پولس در اول تیموتائوس 2:13-14 فراقنی کنیم، که در آن گفته می‌شود آدم نخست آفریده شد (آیه 13). بلکه پولس دوسویگی را از روایت آفرینش تعلیم می‌دهد، زیرا پولس مرد را دریافت‌کننده سود نشان می‌دهد که به یاری زن نیاز دارد. او این را با مفاهیمی توصیف می‌کند که فرهنگ آن را می‌فهمید. زن از مرد شکل گرفت، به‌طوری که در روایت آفرینش مرد به عنوان سر زن (منشأ حیات او) در کاربرد زبان یونانی عمل می‌کند؛ اما بعداً هر مردی از زن می‌آید، به‌طوری که زن نیز منشأ حیات است، و این همان معنای نام "حوا" در پیدایش 3:20 است.

«از این رو، بنا بر طرح خدا، زن و مرد از یکدیگر مستقل نیستند. هیچ دلیل الزام‌آوری نیست که پولس را چنین تفسیر کنیم که او با اقتدار زن در روایت آفرینش در پیدایش 1:27-28، یا در کاربردش از اصطلاح یونانی "سر"، مخالفت می‌کند، آن را از نو تفسیر می‌کند یا نسبی می‌سازد. هم مرد و هم زن به صورت خدا آفریده شدند، و هر دو برای فرمانروایی آفریده شدند، فرمانروایی‌ای که به گفته پولس به معنای همراهی و دوسویگی در چارچوب الزامات فرهنگی مربوط اعمال می‌شود.»⁷³

شگفت‌انگیز است که چگونه انجیل می‌تواند در هر فرهنگی برای جلال خدا و بی‌آنکه سبب لغزش شود زیسته شود. خدا، بزرگ‌ترین مبشر، برای همه دولتمند است: انجیل از آن همه قوم‌هاست.

پیوست

دو چینش متنی زیر با کیاسموس (Chiasmus) ارتباط دارند (چینش ضربدری و مورب واژه‌ها یا اندیشه‌ها). چینش نخست از اشنا بل است. نشان می‌دهد: متن به یک اندازه با مردان و زنان سخن می‌گوید. کسی که خواهد از بسامد خطاب‌ها دریابد چه کسی در قرن‌تس مشکل را پدید آورد، با این راه به جایی نمی‌برد.

آیه 4 هر مرد ... سر خود را بی‌حرمت می‌کند

آیه 5 هر زن ... سر خود را بی‌حرمت می‌کند

آیه 7 الف مرد بازتاب خداست

آیه 7 ب زن بازتاب مرد است

آیه 11 الف در خداوند زن بدون مرد هیچ است

آیه 11 ب در خداوند مرد بدون زن هیچ است

آیه 12 الف زن از مرد است

آیه 12 ب مرد به واسطه زن است

آیه 14 برای مرد ننگ است

آیه 15 برای زن افتخار است⁷⁴

در اینجا کیاسموسی بی‌نقص از این متن، یعنی از این رشته پیوسته اندیشه یا این بخش معنایی، نشان داده می‌شود، چنان‌که دیوید ای. گارلند (David E. Garland) آن را بخش‌بندی می‌کند. جالب است ببینیم که همان حروف A B C D چگونه روبه‌روی هم قرار می‌گیرند، یک بار پیش و یک بار پس از گفته مرکزی در آیه 10، که او آن را به عنوان گفته اصلی درباره پوشش سر زن برجسته می‌کند. برای من این یعنی: زن تصمیم می‌گیرد که پوشش سر داشته باشد یا نه. این را مردان یا شوهر تصمیم نمی‌گیرند. او آزاد است.

A Introduction: the “Head” of Men and Women (vv.2-3)

Commendation (v.2); Summary of Headship (v.3)

B Shame for Men and Women (vv.4-5)

For Men (v.4); For Women (v.5)

C Social and Theological Reasons for Shame (vv.6-7)

Social Reasons (v.6); Theological Reasons (v.7)

D Creation of Men and Women (vv.8-9)

Men (vv.8a; 9a); Women (vv.8b; 9b)

E Reason for Women to be Covered (v.10)

D' Equality of Women and Men (vv.11-12)

Women (vv.11a; 12a); Men (vv.11b; 12b);

Equality in God (v.12c)

C' Social Implications for Women (v.13)

B' Shame and Glory in Men and Women (vv.14-15)

Shame for Men (v.14); Glory for Women (v.15)

A' Conclusion: Exhortation to Adhere to Teachings (v.16)

پی‌نوشت‌ها

1. Hans-Jörg Ronsdorf, hj-ronsdorf@t-online.de, از بازخورد شما استقبال می‌شود. 24 ژانویه 2021، بازنگری شده در اکتبر 2026

www.hans-joerg-ronsdorf.de .2

3. /https://theoblog.de/eckhard-schnabel/16636

- Cynthia Long Westfall, Paul and Gender. Reclaiming the Apostle's Vision for Men and Women in Christ, Grand Rapids: Baker Academic 2016.
- Schottroff, L., *Der erste Brief an die Gemeinde in Korinth*, edd. E. W. Stegemann/L. Schottroff/A. Strotmann/K. Wengst, VII, Theologischer Kommentar zum Neuen Testament, Verlag W. Kohlhammer, Stuttgart 2013, ص. 197.
- Westfall, Paul and Gender, ص. 13 (از این پس فقط با شماره صفحه).
- ص. 13.
- ص. 17.
- ص. 20.
- ص. 25.
- ص. 26.
- Eckhard J. Schnabel, *Der erste Brief des Paulus an die Korinther*, Historisch-Theologische Auslegung, Witten/Gießen: SCM R. Brockhaus/Brunnen, چاپ چهارم 2018، ص. 625.
- ص. 26.
- ص. 27.
- ص. 29.
16. «ماترونا» (Matrona) در جامعه امپراتوری روم به زنی گفته می‌شد که همسر یک شهروند رومی بود. جای او بیشتر در خانه بود، در رسیدگی به خانواده و امور خانه. او زیر حمایت و قیمومت سرپرست خانه بود، یعنی یا پدر یا شوهر. (منبع: ویکی‌پدیا، مقاله «Matrona»)
- ص. 29.
- ص. 31.
- ص. 32.
- ص. 33.
- ص. 37.
- Schnabel, E. J., *Der erste Brief des Paulus an die Korinther*, edd. G. Maier/H.-W. Neudorfer/R. Riesner/E. J. Schnabel, Historisch-Theologische Auslegung Neues Testament, SCM R. Brockhaus; Brunnen Verlag, Witten/Gießen، چاپ چهارم 2018، صص. 603–602.
- ص. 42.
- ص. 44.
25. پیام اصلی پولس همان می‌ماند، حتی اگر برخی زنان خودشان می‌خواستند پوشش سر را کنار بگذارند. اما این فرض چندان محتمل نیست.
26. ترجمه Elberfelder، ویرایش CSV (ترجمه آلمانی کتاب مقدس)، مگر آنکه جز این ذکر شده باشد.
27. این اندیشه‌ها مکملی برای فصل 6.2 کتاب من «ای زنان، ما را ببخشید!» است. بیشتر مطالب را اینجا تکرار نمی‌کنم و خواندن هر دو نوشته را توصیه می‌کنم.
- ص. 87.
- ص. 29.
- ص. 30.
- ص. 31.
- ص. 32.
- ص. 33.
- ص. 34.
- ص. 35.
36. Schnabel, E. J., ص. 601.
37. Schnabel, E. J., ص. 602.
- ص. 40.
39. Schnabel, E. J., ص. 602.
- ص. 29.
41. Schnabel, E. J., ص. 604.

42. E. J. Schnabel, ص. 605.
43. E. J. Schnabel, ص. 606.
44. E. J. Schnabel, ص. 606.
45. ص. 72.
46. ص. 65.
47. E. J. Schnabel, *Der erste Brief des Paulus an die Korinther*, edd. G. Maier - H.-W. Neudorfer - R. Riesner - E. J. Schnabel, Historisch-Theologische Auslegung Neues Testament, SCM R. Brockhaus; Brunnen Verlag, Witten; Gießen 2018, چاپ چهارم، صص. 609-608.
48. ص. 70.
49. ص. 62.
50. E. J. Schnabel, ص. 609.
51. E. J. Schnabel, صص. 610-609.
52. ص. 103.
53. E. J. Schnabel, ص. 610.
54. E. J. Schnabel, صص. 611-610.
55. ص. 73.
56. E. J. Schnabel, ص. 611.
57. E. J. Schnabel, صص. 614-613.
58. ص. 30.
59. E. J. Schnabel, ص. 616.
60. E. J. Schnabel, صص. 617-616.
61. E. J. Schnabel, ص. 617.
62. ص. 70.
63. E. J. Schnabel, صص. 618-617.
64. E. J. Schnabel, ص. 619.
65. E. J. Schnabel, ص. 619.
66. ص. 40.
67. ص. 41.
68. ص. 41.
69. ص. 42.
70. E. J. Schnabel, *Der erste Brief des Paulus an die Korinther*, edd. G. Maier - H.-W. Neudorfer - R. Riesner - E. J. Schnabel, Historisch-Theologische Auslegung Neues Testament, SCM R. Brockhaus; Brunnen Verlag, Witten; Gießen 2018، چاپ چهارم، صص. 623-622.
71. E. J. Schnabel, ص. 624.
72. ص. 98.
73. ص. 105.
74. E. J. Schnabel, ص. 590.